

مبارزه

پیروزی

اتحاد

دانشجویان میهن پرست!

به پیکار در راه رهایی ایران

جنبش دانشجویی ایران

و

از چنگال استعمار نو یاری کنید!

وظایف اصلی آن

تکثیر از

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

FEDERATION OF IRANIAN STUDENTS (NATIONAL UNION)

6 Frankfurt 16
Postfach 10247
West Germany
Konto:
Postbank Karlsruhe 127461
West Germany

تقدیم به :

"خاطره جاویدان دانشجویان شهید"

دانشگاه حقوق	فدائی	عبدالکریم حاجیان	ازبلی تکنیک تهران	فدائی	رحیم سماعی
دانشگاه مشهد	فدائی	حمید توکلی	دانشگاه شیراز	فدائی	میدی اسحاقی
دانشگاه مشهد	فدائی	سعید آریان	_____	فدائی ازگروه	همایون کتیرائی
_____	مجاهد	سعید صفار	دانشگاه تبریز	آرمان خلق	
دانشگاه فنی	مجاهد	محمد ایگه‌ای	دانشگاه پزشکی	فدائی	مهرنوش ابراهیمی
دانشگاه صنعتی	مجاهد	خلیل طباطبائی	دانشگاه اقتصاد	فدائی	عبدالحسین براتی
دانشگاه اقتصاد	مجاهد	محمد رضا میرصادقی	دانشگاه کشاورزی	فدائی	شاهرخ هدایتی
دانشگاه علم و صنعت	مجاهد	حسین عالم زاده	کرج		
دانشگاه بازرگانی	مجاهد	مهدی رضائی	دانشگاه کشاورزی	فدائی	سیروس سپهری
دانشسرای عالی	فدائی	اسداله بشر دوست	کرج		
دانشگاه فنی	فدائی	پوران یداله‌هی	دانشگاه صنعتی	فدائی	مجید احمدزاده
دانشگاه صنعتی	فدائی	بهروز عبدی	دانشگاه فنی تهران	فدائی	علی نقی آرش
دانشگاه فنی	فدائی	فرخ سپهری			
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	شفیعیها			
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	حق شناس			
دانشگاه شیراز	دانشجوی انقلابی	محمد رضا احمدی			

رضا رضائی	مجاهد	ر انشکده علم و ادب پزشکی
ضیاء الحق	مجاهد	ر انشکده فنی
هوشمند خامنه‌ای	مجاهد	ر انشکده اقتصاد
فرهاد سپهری	فدائی	ر انشکده فنی
حمید خلیلی	ر انشجوی انقلابی	ر انشکده علم و صنعت
خشایار سنجری	فدائی	ر انشکده علم و صنعت
منصور فرشیدی	فدائی	ر انشکده فنی
میرجعفر شجاع‌آبادی	انقلابی	ر انشکده صنعتی
علی اکبر جمعی	فدائی	ر انشکده اقتصاد
مصطفی جوان خوشدل	مجاهد	ر انشکده بازرگانی
کاظم زوالانوار	مجاهد	ر انشکده کشاورزی

دانشجویان مبارز!

در شرایطی که عملیات مسلحانه، پیشگامان خلق
رژیم فاشیستی شاه خائن را از هر طرف مورد حمله
قرار داده اند، و در شرایطی که جنبشهای مترقی
دانشجویی گرایشهایی بسوی توده‌های کردن مبارزات
از خود نشان میدهند، سازمان ما وظیفه خود میداند
که ارتباط متقابل عملی و نظری با جنبش دانشجویی
را گسترش داده و در راه پیشبرد اهداف انقلاب
رهائی بخش خلق ایران این پیوند را عمیقاً استحکام
بخشد.

اعدام انقلابی سروان یداله نوروزی خائن فر مانده
گارد مزدور دانشگاه صنعتی که بخاطر حمایت مسلح
سازمان از جنبش دانشجویی صورت گرفت گامی در راه
تحقق بخشیدن بدین امر محسوب میشود.

دانشجویان مترقی باید بدانند که در شرایطی

که دشمن بخاطر سرکوب جنبش دانشجویی دست به توطئه‌های جدیدی زده است و وظیفه سنگینی را به عهده دارند که انجام آن احتیاج به هشیاری دائم انقلابی دارد.

دانشجویان میهن پرست باید بکوشند تا پرچم سرخ انقلاب را در محیط دانشگاهها برافراشته نگه داشته و نگذارند که دشمن با حيله و نیرنگ در میان صفوف آنان تفرقه اندازد. دانشجویان آگاه دانشگاههای ایران خود به این حقیقت گرانبها رسیده اند، بهترین گواه این امر شعار آنهاست:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی". این شعار سالیان دراز است که توسط دانشجویان مبارز میهن ما مطرح شده و همیشه غریب پر شکوه آن در عرصه دانشگاههای میهن ما طنین افکن بوده است.

"نابود باد توطئه های دولت

دیکتاتوری شاه خائن بر علیه جنبشهای دانشجویی میهنمندان"

با مبارزات دانشجویان
میهنمندان آشنا شویم

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ و ایجاد سلطه فاشیستی برای حفظ و گسترش منافع امپریالیسم در کشور ما، کلیه سازمانهای سیاسی و ضد امپریالیستی میهن ما مورد حمله قرار گرفتند و از هم پاشیده شدند.

نیروهای مبارز دانشجویی که در آن زمان بنایه شرایط عمدتاً وابسته به سازمانهای سیاسی موجود بودند و در جهت حفظ آرمانهای این سازمانهای سیاسی مخالف رژیم موضع گیری میکردند نیز از این ضربات فاشیستی کودکان نظامی در امان نماندند. دانشگاه بعنوان يك مرکز تجمع عناصر آگاه و پیشرو جامعه میبایست چون دژ مستحکمی در مقابل تجاوزات بیگانگان و نوکران داخلیشان ایستادگی میکرد.

دانشجویان مبارز و آگاه بنا بر وظایف میبهنس خود اعتراضات وسیعی را بر علیه رژیم گودتا بر پا داشتند بطوریکه پس از گذشت چند ماه از کودتای تنگین ۲۸ مرداد دانشگاه تهران که از همان ابتدای گودتا به مقابله برخاسته بود، با شکوهترین تظاهرات خونین خود را بر علیه توطئه های ننگین امپریالیسم بر پا کرد در این زمان بنا بود نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا برای بازدید از "پیروزیهای حاصل شده و امتیازات کسب شده" به ایران بیاید. رژیم گودتا که بیش از هر وقت خود را آماده مقابله با هر حرکت مخالفی میدید به منظور حفظ حیثیت و موقعیت خود در پیشگاه ارباب تصمیم گرفت برای همیشه به تظاهرات دانشجویان خاتمه دهد و مراسم استقبال از ارباب را با خیالی آسوده برگزار نماید. بنابراین در روز ۱۶ آذر نیروهای تیپ دوزخی را برای سرکوبی این تظاهرات به دانشگاه اهزام نمود. دانشجویان

مبارزه قهرمانانه در مقابل نیروهای مهاجم پایداری کردند و مزدوران به دستور شاه خائن آنان را بگلوله بستند و سه دانشجوی قهرمان بنامهای قندچی - بزرگ نیا - شریعت رضوی به شهادت رسیدند و صدها نفر زخمی و دستگیر شدند و بدین ترتیب تظاهرات پیرشکوه و خونین دانشجویان سرکوب شد و عمال سیاه رژیم در دانشگاه مستقر شدند و از آن پس با خشونت و وحشیگری هرچه تمامتر حکومت نظامی را اعمال میکردند - علیرغم این سرکوب و فشار وحشیانه رژیم در محیط دانشگاه دانشجویان مبارز و دلیر در روز ۱۸ آذر همراه با ورود نیکسون جانی - تظاهرات پیرشکوهی در رابطه با سوم شهدا بر پا کردند. این تظاهرات عملاً مبدل به اعتراض عمومی و برخورد های شدید با پلیس و نیروهای انتظامی گردید که در جریان آن صدها نفر زخمی و بازداشت شدند و پس از آن حکومت

نظامی در دانشگاه با وحشیانه ترین شکل ممکن اعمال میشد و تارياست دكتر اقبال مزدور ادامه داشت .

بطور کلی در سالهای پس از کودتا بعزت فقردان يك تشکیلات منضبط و مستحکم - انرژی نیروهای دانشجویی در جهت درست بكار گرفته نشد و در نتیجه مبارزات دانشجویی که میبایست بطور مداوم - پیوند هماهنگ خود را با سایر نیروهای خلق حفظ میکرد منفرد شده و زیر ضربات شدید دشمن بخاموشی گرائید .

دكتر اقبال مزدور ریاست خود را با يك نمایندگی "موکراتیک" آغاز کرد . بدستور او نیروهای نظامی پس از هفت سال دانشگاه را ترك کردند . این قسمتی از برنامه وسیع امپریالیستها برای برقرار کردن اوضاع جدید اقتصادی - اجتماعی

در پهنه میهن ما بحساب میآمد . در این دوره سرمایه داری وابسته که قصد بدست گرفتن کامل حاکمیت سیاسی را داشت نیازمند جلب حمایت نیروهای مترقی جامعه و یا حداقل بیطرفانگهداشتن ایشان در جریان تحولات اجتماعی بود ، از این روی ایجاد شرایط بالنسبه دموکراتیک و ایجاد امکان فعالیت نیروهای ملی مخالف دولت در دستور کار رژیم قرار گرفت .

ایجاد فضای جدید سیاسی باعث حرکت در آمدن نیروهای دانشجویی گردید . با بیرون رفتن نیروهای نظامی از دانشگاه ، فعالیت های سیاسی و جناح بندی دانشجویان مخفیانه رو به گسترش نهاد و روز بروز ابعاد تازه تری پیدا کرد ، بطوریکه اولین اجتماع علنی بطرفداری از جبهه ملی در مرداد سال ۳۹ در حاشیه میدان جلالیه برگزار شد ، این میتینگ که تحت عنوان "میتینگ دانشجویان طرفدار جبهه ملی"

برگزار میشود مستقیماً توسط خود دانشجویان سازمان یافته و رهبری میشود. این فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در سال تحصیلی ۴۰-۳۹ به اوج خود رسید بطوریکه منجر به تشکیل سازمان دانشجویان در این سال گردید، فعالیت عناصر چپ در این سازمان که به طرفداری از جبهه ملی فعالیت میکردند چشمگیر و بیسابقه بود بطوریکه سازمان در آن شرایط با فعالیت‌های علنی و عمومی خود توانسته بود تمام نیروهای مخفی کمونیستی را به حول محور خود متشکل کرده و به طرفداری از سیاست جبهه ملی بفعالیت وادارد.

هنگامیکه در بهمن سال ۳۹ انتخابات مجلس بیستم تجدید شد سازمان دانشجویان تظاهرات پرشکوهی را در دانشگاه به طرفداری از سیاست جبهه ملی که خواهان آزادی انتخابات بود بنه راه انداخت، دانشجویان بعد از چند روز تظاهرات

در محیط دانشگاه از آنجا خارج شده و در خیابانها دست به تظاهرات وسیعی زدند که حدود دو هفته ادامه داشت. بازار بارها بخاطر حمایت از این تظاهرات حق طلبانه تعطیل شد در این دوره از تظاهرات نیز صدها نفر از دانشجویان قهرمان بازداشت شدند و دانشگاه تا ۱۴ فروردین سال بعد تعطیل گردید همراه با بازشدن دانشگاه معلمین زحمت کش ایران در اردیبهشت سال ۴۰ که در باشگاه مهرگان متمرکز شده بودند دست باعصاب زدند - خواست اعتصاب افزایش اشل حقوق معلمین و متناسب شدن آن با هزینه زندگی بود - این تظاهرات در ۱۲ اردیبهشت در مقابل مجلس منجر به زد و خورد با پلیس گردید و دکتر خانعلی یکی از دبیران شریف تهران با گلوله سرگرد شهرستانی مزدور بشهادت رسید. گشته شدن دکتر خانعلی احساسات مردم و در درجه اول -

دانشجویان و محصلین را برعلیه رژیم مزدور برانگیخت و تظاهرات وسیع و پرشکوهی از طرف معلمین، دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر اقشار مردم در مقابل مجلس شور او خیابانهای مرکزی شهر برگزار شد که روزها ادامه داشت. این اعتصابات نقش مؤثری در رشد و ارتقاء جنبش دانشجویی ایفا کرد. دانشجویان مبارز دانشگاهها در این روزها با پیوستن به صفوف معلمین اعتصابی حمایت فعال خود را از مبارزه معلمین کشور عملاً اعلام داشته و به این ترتیب گامی تازه در جهت هماهنگی با سایر نیروهای مبارز خلق برداشتند. در این دوره دانشجویان که اساساً در سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی متشکل شده بودند در چند عملیات دسته جمعی شرکت کردند که تأثیرات بسیار زیادی در ایجاد ارتباط میان روشنفکران و توده های ستمدیده خلق داشت.

در یکی از این عملیات خلقی سازمان دانشجویان در جریان سیل شدیدی که مناطق جنوبی تهران را فراگرفته بود بسرعت وارد اقدام شد. تعداد زیادی از دانشجویان دختر و پسر و دانش‌آموزان در دسته های چند نفری به منطقه جوادیه رفته و بخرج خود و بادست خود شروع به نصب چند دستگاه پل فلزی روی نهر فیروزآباد کردند، نهری که در جریان سیل ارتباط قسمتی از اهالی جوادیه را با شهر قطع کرده بود، این عمل بزودی به یک حرکت عموم خلقی تبدیل شد. مردم محلات جنوبی از دانشجویان استقبال کردند و با آنها در ساختن پلها وارد همکاری شدند. بازاریان و نیروهای ملی این عمل سازمان دانشجویان را بشدت تأیید کرده و با ارسال مواد غذایی برای دانشجویان کارگر قسمتی از بار ساختن پلها را برعهده دوش گرفتند، در روزهایی که این عملیات ادامه

داشت شکوه کار دسته جمعی که با شرکت مردم صورت میگرفت فضای دلپذیری در محیط پرازلجن و گل ولای -
جوادیه ایجاد کرده بود .

پلهای فلزی این بناهای یاد بود کار دسته جمعی دانشجویان، بازاریان و مردم زحمتکش محلات جنوبی چون خاری در چشم رژیم شاه فرو میرفت بطوریکه خیلی زود رژیمی که هرگز بفکر اهالی محلات جنوبی شهر نبود باخرج مبالغ گزاف به منظور از بین بردن آثار این پلهای نهر فیروز آباد را سرپوشیده کرد و خیابانی بر روی این نهر احداث کرد که امروزه به خیابان نهر فیروز آباد مشهور است ولی خاطره پلهای فلزی که توسط دانشجویان مبارز بمنظور همدردی با مردم محروم جوادیه ایجاد شده بود هرگز از یاد مردم این منطقه نخواهد رفت. عملیات خلقی دیگری که توسط سازمان دانشجویان صورت گرفت عملیات کمک به زلزله زدگان منطقه

بوئین زهرا در حوالی قزوین بود . در این عملیات دانشجویان در دسته های چند نفره همراغ با مقادیر زیادی آذوقه و پوشاک و دارو به منطقه زلزله زد مرفتند کمکهای نقدی، غذا و پوشاک عمدتاً توسط مردم کوچه و بازار تأمین میشد . در آن روزها تختی، قهرمان ملی ما در خیابانهای مرکزی شهر بجمع آوری کمکهای مردمی پرداخت و مردم با استقبال شدید از فعالیتات نیروهای ملی در جهت کمک به زلزله زدگان کمکهای خود را به او میپرداختند . از محل همین نوع کمکها بود که دسته های دانشجویی با وسائل لازم به منطقه قزوین اعزام میشدند . دانشجویان با فداکاری و بردباری به بیرون کشیدن اجساد از زیر آوار و کمک به مصدومین می پرداختند . در بعضی نقاط اقدام به احداث اماکنی برای زلزله زدگان کردند که البته این عملیات با کارشکنی ماءموران شیرو خورشید که قصد

تاراج کمکهای مردم به زلزله زدگان را داشتند مواجهه میشد ولی بهرحال دانشجویان به وظیفه میهنی خود بخوبی عمل کردند و تظاهرات مثبتی در منطقه قزوین از خود بجای گذاشتند .

دانشجویان مبارز نه تنها با حمایت از خلق تحت ستم میهن ما خصلت ضد امپریالیستی جنبش خود را بارها ابراز داشتند بلکه با تظاهرات وسیع و گسترده ای که در ۱۴ آبان سال ۴۰ بهمدردی با انقلاب الجزایر براه انداختند ماهیت ضد امپریالیستی خود را بگوش جهانیان رسانیدند و خشم و نفرت عظیم خود را از فجایع و جنایات امپریالیستها که در حق خلقهای تحت ستم در سراسر جهان میکنند ابراز داشتند . در ۱۶ آذر سال ۴۰ دانشجویان تظاهراتی پرشکوهرتر از همیشه بخاطر بزرگداشت ۱۶ آذر سال ۳۲ برگزار کردند که جبهه ملی نیز حمایت خود را از این جنبش ابراز نمود

و دوشادوش سازمان دانشجویان به تظاهرات و اعتصابات پیوسته فعالیت سازمان دانشجویی در این مرحله از رشد خود یکجبهت کاملاً سیاسی یافته بود بطوریکه در این دوره نشریه «پیام دانشجویان» تیپ‌ساز زیادی منتشر میشد و نقش فعال و مثبتی در گسترش هرچه بیشتر مبارزه و تجمع هرچه بیشتر دانشجویان مبارز داشت .

این نشریه که ارگان رسمی سازمان دانشجویان محسوب میشد از یک کیفیت کاملاً سیاسی برخوردار بود و نشاندهند «جهت ییابی جنبشهای مترقی دانشجویان بحمايت از مبارزات ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری بود .

در سال ۱۳۴۰ مبارزات سیاسی در دانشگاه به اوج خود رسیده بود و گروه‌ها و دستجات سیاسی مختلف در دانشگاه فعالیت میکردند در این سال نیرو

های سیاسی محافظه کار و دست راستی در صفوف مبارزین رخنه کرده و تحریکاتی را بر علیه نیروهای مترقی دامن میزدند. این تحریکات در نقطه اوج خود حوادث اول بهمن ماه ۱۳۴۰ را بوجود آورد، در این سال دست راستیهای جبهه که با ندی تشکیل داده (دکتر خنجی و شرکاء) و قصد بدست گرفتن رهبری مبارزات را داشتند و نیز میخواستند که موقعیت نیروهای مترقی را تضعیف نمایند دست به مانور ماجراجویانه ای زدند بدین ترتیب که بدون اطلاع سازمان دانشجویان برای اول بهمن در دانشگاه و مدارس اعلام اعتصاب کردند و با پخش برخی اطلاعات نادرست هیجان عمومی را در دانشگاه دامن زدند و بدین ترتیب تظاهرات غیر لازمی را براه انداختند. در این روز دانشجویان مبارز که انگیزه‌ای جز دفاع از منافع خلق خود نداشتند با پلیس درگیر شدند و نیروهای

پلیس با گاز اشک آور بدانشجویان متعرض حمله کرد و زد و خورد در ضلع جنوبی دانشگاه تهران اوج گرفت در ساعت ۱۱ همانروز تظاهرات رو به خاموشی گذاشت ولی برخی عوامل مشکوک به پلیس اطلاع دادند که دانشجویان قصد پائین کشیدن مجسمه شاه را دارند این عمل بخاطر تحریک دشمن به حمله وسیع بدانشجویان صورت گرفت و هدفی جز ادامه این تظاهرات غیر لازم را تعقیب نمیکرد و بدین ترتیب دانشجویان در حالیکه با چشمهای سرخ شده از گاز اشک آور در محوطه مرکزی و شمال دانشگاه جمع شده بودند از چند طرف مورد هجوم نیروهای چتر باز و پلیس مزدور قرار گرفتند. مهاجمان دانشجویان را تا انتهای کریدورها و تا آخرین طبقات ساختمانها تعقیب کردند و صدها تن از دانشجویان دختر و پسر را شدیداً مضروب و مجروح نمودند. کلاسها و آزمایشگاهها از حملات مزدوران -

دشمن مصون نماندند و خسارات زیادی دیدند حتی عده‌ای از استادان و دانشیاران مورد بی‌احترامی قرار گرفته و مضروب شدند. بدنبال این حمله سراسری بدانشگاه دستگیریهای وسیعی آغاز شد و عده زیادی از مبارزین مترقی بازداشت شدند تظاهرات بهممن که دیگر اوج گرفته بود در سوم بهممن منجر به زد و خورد دانش‌آموزان با پلیس گردید و در جریان این برخورد مهدی کهر دانش‌آموز مدرسه علمیه بشهادت رسید تحقیقات بعدی نشان داد که در این ماجرا جناح دست راستی جبهه بانیه‌های پلیس بخاطر نابودی نیروهای مترقی همکاری نزدیک داشته است. پس از این حوادث سازمان دانشجویان به‌مراه سایر نیروهای مترقی جبهه ملی در قبال جناح محافظه کار جبهه موضع گرفته و به مبارزه با این جناح پرداختند. بدین ترتیب تظاهرات غیر لازم اول بهممن موجب وارد آمدن ضرباتی

به پیکر سازمان دانشجویان مترقی جبهه ملی گردید و دانشگاه بسته شد. پس از باز شدن دانشگاه تظاهرات وسیعی بمنظور آزاد کردن زندانیان سیاسی که در اول بهممن دستگیر شده بودند صورت گرفت. در این سالها شعارهای کاملاً سیاسی در دانشگاه ها مطرح میشد و صریحاً نام شاه خائن در شعارهای تظاهرکنندگان بگوش میرسید و مبارزه برعلیه نظام حاکم بصورت آشکار در سطح دانشگاهها مطرح میشد.

نقش جنبش مقابله جویانه دانشجویان
در مقابل انقلاب سفید و حمایت از شورش
ضد دیکتاتوری خلق در سال ۴۲ :

چند سال قبل از سال ۴۱، امپریالیزم جهانی و نمایندگی داخلش بورژوازی کمپرادور که بقایای سیستم پوسیده فتودالی را مانع رشد و پیشرفت منافع خود

در ایران میدیدند تصمیم به تعویض روابط تولیدی در سطح جامعه ایران گرفته بودند، این طرح بتدریج کامل شد و قبل از اعلام اصلاحات ارضی، شاه و درباریان تمام زمینهای خود را بیول نقد تبدیل کرده و از ایران خارج نمودند و در شرایطی که دیگر طرح اصلاحات ارضی زیانی متوجه عناصر اصلی طبقه حاکمه نمیکرد یعنی در سال ۱۳۰۱ بدنبال یکسری مقدمه چینیها طرح اصلاحات ارضی از طرف شاهخائن اعلام گردید و به فراندن عمومی گذاشته شد. طبیعی بود که ظاهر این امر هیچگونه مخالفتی را نمیتوانست برانگیزاند و بسیاری از نیروهای سیاسی دچار بهت زدگی شده بودند زیرا مشاهده میکردند شعاری را که مدتها عنوان میکردند از طرف رژیم مطرح شده است در حالیکه این یک تغییر نظام اجتماعی بسود امپریالیسم جهانی بود و نیروهای سرمایه داری ملی را به حاکمیت

نمیرسانید بلکه سرمایه داران وابسته به بیگانه را به حکومت بلامنازع میرساند. در این شرایط سازمان دانشجویان که متوجه مسأله بود در مقابل فرمانده شاه شعاری بدین مضمون مطرح کرد و آنرا بر سر در دانشگاه آویخت "اصلاحات ارضی بیه دیکتاتوری شاه نه" و بدین ترتیب کمیته دانشگاه در مجموع طرح اصلاحات ارضی را که توسط رژیم وابسته با امپریالیسم مطرح شده بود نفی کرد، کمیته دانشگاه با طرح این شعار نشان داد که با اصلاحات ارضی بشرطی که توسط نیروهای ملی و مترقی مطرح شود موافق است ولی نه با اصلاحاتی که بطور فریبکارانه از طرف دیکتاتوری شاه و بخاطر حفظ منافع امپریالیستها عنوان شود این شعار در شرایطی مطرح شد که بسیاری از گروه های سیاسی در مقابل شعارهای فریبکارانه اصلاحات ارضی خلع سلاح شده و عقب نشینی کرده بودند و تنها

سازمان دانشجویان بود که بدین ترتیب نقش خود را بمثابة پیشروترین و انقلابی ترین نیروهای موجود ضد رژیم نشان داد.

در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیروهای خلق نیز بتدریج با درک ماهیت انقلاب سفید شاه بر علیه رژیم دیکتاتوری موضعگیری میکردند ولیکن حرکت مردم بعزت فقدان يك سازمان انقلابی منضبط و مستحکم در سطح جامعه بدرستی سازمان نیافته بود و با آنکه حرکتی اصیل و توده‌ای بود بهشکلی خود بخودی رو به اوج نهاد و بالاخره در ۱۵ خرداد ۱۴۰۲ بصورت يك شورش عمومی درآمد که توسط نیروهای سرکوب رژیم بخون کشیده شد و سرکوب گردید و بدین سان ۱۵ خرداد به حماسه‌ای خونین در تاریخ مبارزات خلق ما تبدیل گردید.

در خرداد ۱۴۰۲ دانشجویان مبارز در جریان

تظاهرات خرداد ۱۴۰۲ فعالانه به صفوف مردم ملحق شدند. در روز ۱۵ خرداد تظاهراتی در مقابل دانشگاه تهران توسط دانشجویان صورت گرفت و شعاری که بخط بسیار درشت روی پارچه نوشته شده بود بر سر در اصلی دانشگاه تهران آویخته شد مضمون این شعار اینچنین بود "شاه جلاد و خون آشام خون خلق را می‌ریزد" و بدنبال آن دسته‌های معترض دانشجویان با پرتاب سنگ بسوی ماشینهای مسلح و تانکهای ارتش حمایت خود را از مردمیکه توسط واحد های نظامی سرکوب میشدند اعلام داشتند رژیم که با تبلیغات وسیع باصطلاح "انقلاب سفید" را يك جریان مرفقی معرفی میکرد از بدرگیری با دانشجویان - میان در عراس بود زیرا میکوشید و انمود کند که نیروهای معترض که در سطح شهر دست به تظاهرات وسیعی زده بودند از عوامل مالکان و اربابانی هستند

که بر اثر الفای فتور الیسم به مخالفت با رژیم —
 برخاسته‌اند، از این روی از درگیری با دانشجویان
 اجتناب می‌کند، زیرا برای همگان واضح بود که
 دانشجویان نمیتوانند وابسته به مالکان و اربابان
 باشند و بدین ترتیب چهرهٔ انقلاب سفید از پرده
 بیرون می افتاد و ماهیت ضد خلقی آن از همگان
 آغا و کار آشکار میشد. ولی پیگیری دانشجویان در —
 حمایت از شورش ضد دیکتاتوری مردم، رژیم را به
 عکس العمل بر علیه دانشجویان وادار کرد و نیروهای
 انتظامی در ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۵ خرداد
 عازم دانشگاه شده و با تیراندازی هوایی بسوی
 دانشجویان صفوف ایشان را پراکنده ساختند و در این
 روز عده‌ای از مردم تظاهر کننده که به مقابل دانشگاه
 آمده بودند توسط نیروهای نظامی کشته و مجروح
 شدند، پس از این جریان‌ات عدهٔ زیادی از دانشجویان

دستگیر و زندانی گردیدند و مبارزات دانشجویی موقتاً
 رو به خاموشی نهاد. —
 بعد از این حوادث سازمان دانشجویان در شهریور
 ۲۴ در رابطه با انتخابات دورهٔ ۲۱ دست به فعالیتهایی
 بر علیه رژیم زد. در ۱۶ آذر همان سال مراسم ۱۶
 آذر، "روز دانشجوی" در دانشگاه برگزار گردید که مورد
 حملهٔ پلیس قرار گرفت. از آن پس تا شهریور ماه ۴۴
 سازمان دانشجویان مرفقی بحیات سازمانی خود ادامه
 داد، نشریهٔ پیام دانشجوی توسط نیروهای چاپ دانشگاه
 مرتباً منتشر میشد و ناشر افکار سیاسی مرفقی در سطح
 دانشگاه بود. در این فاصله فعالیتهای صنفی
 دانشجویی با تائید سازمان دانشجویان تحت عنوان
 لغو شهریه صورت میگرفت و سازمانهای صنفی که بطور
 مخفی از طرف سازمان دانشجویان هدایت میشدند
 بفعالیت ادامه میدادند. در سال ۴۴ فعالیتهای

سیاسی علنی با قطع انتشار پیام دانشجو بدنبال -
 دستگیری اکثر کادرهای مبارز دانشگاه خاتمه یافت ولی
 فعالیتهای صنفی اوج بیشتری گرفت و سازمان جدیدی
 یافت .

در سال ۶۷ تختی قهرمان محبوب ملت ایران و
 عضو جبهه ملی توسط سازمان امنیت شاه بشهادت رسید .

بدنبال این حادثه نیروهای صنفی دانشجویی بحرکت
 درآمدند و ماهیت مترقی و ضد رژیم خود را نمایان
 ساختند بطوریکه مراسم سوم و شب هفت تختی مبارز
 و قهرمان به تظاهرات پرشور و وسیعی بر علیه دولت
 شاه خائن تبدیل گردید .

در این روزها دانشجویان با پخش وسیع اعلامیه
 و دعوت مردم به شرکت در مراسم یاد بود تختی صفوف
 متحدی از مردم متعرض را در خیابانهای جنوبی شهر
 بوجود آوردند . مراسم یاد بود تختی قهرمان بیک

اعتراض سیاسی بر علیه رژیم شاه تبدیل گردید و تأثیرات
 بسیار مفیدی در افزایش آگاهی مردم از خود بجای
 گذاشت . بدنبال این تظاهرات نیز عده بسیاری
 از دانشجویان به همراه مردم دستگیر و زندانی شدند
 و مدتی را در زندانهای رژیم بسر بردند . و بدین
 ترتیب مبارزات سیاسی - صنفی در دانشگاهها روبه
 اوج نهاد بطوریکه دانشجویان ضمن تشکل در واحدهای
 صنفی در شرایط مناسب دست به اعتراضات سیاسی بر
 علیه رژیم میزدند . در سال ۶۷ بدنبال جنگ
 ژوئن ۶۷ در خاورمیانه و اشغال سرزمینهای عربی
 بدست اسرائیل دانشجویان به همراهی سایر مردم ایران
 نفرت خود را بر علیه رژیم متجاوز اسرائیل و صهیونیسم
 بین المللی و همکار نزدیک آن دولت شاه اعلام داشتند
 بطوریکه در جریان مسابقات فوتبال بین تیمهای ایران
 و اسرائیل که در تهران برگزار میشد مردم و دانشجویان
 با فریادهای نابود باد اسرائیل و درود بر فلسطین

اعتراض شدید خود را به انجام این مسابقات کوه میبایست بخاطر همدردی با خلق عرب تحریم میشد ابراز داشتند. در جریان این تظاهرات دفتر هواپیمائی اسرائیل (بال عال) توسط دانشجویان مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشید شد.

در اسفند ماه ۶۸ دولت شاه بلیط اتوبوسهای شرکت واحد را گران کرد و این امر موجب ناراحتی و اعتراض شدید مردم کم درآمد گردید و مقاومتی در میان مردم در مقابل این برنامه ظاهر شد. دانشجویان که در این زمان از تشکک صنفی خوبی برخوردار بودند بسرعت عکس العمل نشان داده و وارد میدان شدند. گروه های ضربت چند نفری دانشجویی برای اولین بار تشکیل شدند و به منظور اعتراض شدید به طرح گرانی بلیط اتوبوسها اقدام به متوقف کردن اتوبوسها نمودند. پس از اقدام فعال دانشجویان نیروهای پلیس ضد اغتشاش وارد میدان شده و خیابانهای اطراف

دانشگاه تهران را اشغال کردند و دانشجویان با تحرك باور نکردنی مناطق اطراف دانشگاه را تخلیه کرده و در سطح شهر پراکنده شدند. گروههای ضربت دانشجویی در نقاط مختلف شهر به اتوبوسها حمله کرده، آنها را متوقف میکردند و پس از تخلیه مسافرین شیشه های آنها با سنگ خورد کرده و در بعضی موارد اتوبوسها را واژگون می نمودند، گروههای ضربت دانشجویی در این حرکات به محض مداخله پلیس پراکنده شده و در نقطه دیگری جمع گشته و دست به حمله مجدد میزدند و به این وسیله دامنه تظاهرات را گسترش میدادند. این اولین بار بود که تاکتیکهای مبارزات خیابانی از طرف نیروهای دانشجویی بکار گرفته میشد. مردم از اقدام دانشجویان پیروی کرده و در صفوف دانشجویان وارد تظاهرات بر علیه این طرح شدند. این جریان بسرعت اوج گرفت و تمامی نقاط شهر سراپتگردد و يك جنبش عمومی بر علیه

دولت شاه بوجود آورد . در جریان تظاهرات هزاران نفر از دانشجویان و دانش آموزان و مردم عادی دستگیر و زندانی شدند ولی بالاخره پس از ۲ روز شاه مجبور به عقب نشینی شد و قیمت بلیط اتوبوسها را روی نرخهای قبلی تثبیت کرد و زندانیان را آزاد نمود . با اینهمه عده زیادی از بهترین نیروهای دانشجویی به سربازخانه ها روانه شدند و از تحصیل محروم گشتند ولی بهر حال این پیروزی بزرگی برای جنبش دانشجویی بود و در معرفی خواستهای مترقی و خلقی دانشجویان به مردم بسیار مؤثر افتاد ، مردم تهران در این روز پیروزی ناشی از اتحاد و همبستگی را تجربه کردند و یک صد مبارزات دانشجویان را مورد تائید و تحسین قرار دادند .

جنبش دانشجویی از آن پس بیشتر رنگ سیاسی بخود گرفت و فعالیتهای ضد رژیم و ضد امپریالیستی در دانشگاهها افزایش یافت . بطوریکه در اردیبهشت

۹۴ هنگامیکه يك دسته از سناتورهای آمریکائی جهت بررسی زمینه های سرمایه گذاری به ایران آمده بودند مؤسسات آمریکائی از طرف يك گروه پیشرو و معترض دانشجویی مورد حمله قرار گرفتند در این جریان کانون دانشجویان وابسته به اداره اطلاعات آمریکا واقع در روبروی دانشگاه تهران و همچنین محل انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا واقع در خیابان وصال شیرازی شدیداً آسیب دیده و سردر و پنجره های این مؤسسات توسط دانشجویان پیشرو کاملاً خورده شد . این يك عمل کاملاً سیاسی بر علیه تجاوزات سرمایه جهانی در ایران بشمار میآید . و نشانه رشد سیاسی نیروهای پیشروی دانشگاه بود . بدنبال این حوادث نیز گروهی از دانشجویان مبارز دستگیر شده و به زندان کشیده شدند ولی دیگر دانشجویان پیشرو از دستگیری زندان و سربازی فرستاده شدند هیچگونه ابائی نداشتند ، دانشجویان با آگاهی کامل نسبت به خشونت دشمن ، در فعالیتها ی

اعتراضی بر علیه دولت شاه وارد می‌شدند .

خشونت پلیس در سال ۹۴ بشدت ادامه داشت گذشته از دستگیریهای وسیع و بزدان کشیدن دانشجو - یان پیشرو و به سربازی فرستادن ایشان جنگ روانی و تبلیغاتی بیرحمانه ای از طرف رژیم بر علیه نیروهای مبارز براه افتاده بود . برگزاری نمایشات تبلیغاتی رادیو تلویزیونی مرحله اوج گرفته این کارزار تبلیغاتی بر علیه نیروهای پیشرو و بویژه دانشجویان مترقی و مبارز بشمار میرفت . عده ای از وازدگان سیاسی و خیانتکاران به پشت دربین تلویزیون آمده و هر کونه جنبش مبارزه جویانه خلق ماررا محکوم کرده و تخطئه مینمودند . بدنبال پارسا نژاد ، پرویز نیکخواه خائــــن در مقابل دربین خیانت ظاهر شد . این دو تن که وابستگان و رهبران یک جریان سیاسی فرست طلب بنام " سازمان انقلابی حزب توده " بودند به محض مواجه شدن با مشکلات و سختیهای مبارزه

انقلابی بسادگی دست از آرمان خود تستند و خود را به آغوش دولت شاه افکندند تا در فضای گرمی که در یکتاتوری شاه به ایشان هدیه کرده بود به زندگی ننگین خود ادامه دهند .

خیانت آشکار افرادی چون پرویز نیکخواه که روزی جزو نیروهای ضد رژیم محسوب میشدند یک ضربه روانی برای نیروهای مبارز بشمار میرفت ، دولت شاه در پائیز ۹۴ از این طریق برنامه جنگ روانی خود را به منظور کوبیدن هر نوع روحیه مبارزه جویانه در صفوف خلق ما آغاز کرد . بطوریکه در یک رشته برنامه های رادیو تلویزیونی از روی ماجراهای مربوط به فعالیت تشکیلات تهران حزب توده ، فعالیت تیمور بختیار و فعالیت گروه های مخالف رژیم در خارج از کشور پرده برداشت . در این نمایشات اسناد و مدارک و وسایلی زیادی از طرف پرویز ثابتی مزدور معروف و سخنگوی سازمان امنیت به معرض دید عمومی گذاشته شد در

جریان این برنامه همه مردم متوجه شدند که برنامه های حزب توده ایران در داخل کشور توسط فردی بنیام عباسعلی شهریاری نژاد معروف به اسلامی و ملقب به مرد هزار چهره رهبری میشده است *پا آنکس— سخنگوی امنیتی کوشید عباسعلی شهریاری را عنصری صادق نسبت به فعالیت های سیاسی جا بزند همه فهمیدند که این عنصر از آغاز کار در خدمت سازمان امنیت بوده است و فعالیت های حزب توده در ایران در مدت ده سال که توسط بقایان رهبران حزب توده از خارج کشور بلکه توسط مقامات امنیتی ایران طرح ریزی میشده است و تمام کسانی که توسط رادیوی پیک ایران به شرکت در فعالیت های حزب توده در ایران دعوت شده و به این فعالیت ها پیوسته اند در حقیقت تحت نظارت سازمان امنیت به اصطلاح مشغول

* عباسعلی شهریاری نژاد مزدور و خائن در تاریخ ۱۴ اسفند ۵۳ توسط پیک واحد از رزمندگان سازمان ما اعلام شد.

مبارزه بر علیه رژیم بوده اند. همچنین ارائه اطلاعاتی از فعالیت های عده ای از سازمان های سیاسی خارج از کشور بویژه "سازمان انقلابی حزب توده" نشان میداد — که سازمان امنیت از طریق رهبران خائن دستگیر شده این سازمانها در جریان فعالیت های آنها قرار دارد. بهر حال برگ های برنده مقامات امنیتی بر علیه نیروهای مخالف رژیم مرتباً روشده و با آب و تاب در معرض تماشای عمومی گذاشته میشد. تمام دلایل و شواهد در این جهت سمت گرفته بودند که نشان دهند مبارزه سیاسی در ایران امکان عملی ندارد و هر کس در هر موضعی بخواهد با رژیم ایران مبارزه کند یا دستگیر میشود و یا اینکه فعالیت هایش مورد شناسائی قرار گرفته و عقیم میماند. کوشش های پر دامنه رژیم در جهت اثبات این دروغ بزرگ که در ایران هیچگونه امکان مبارزه بر علیه رژیم وجود ندارد تا شیر زیادی از خود بجای گذاشته بود. این تاثيرات منفی نه

فقط بخاطر قدرت رژیم بلکه عمدتاً ناشی از ضعف جریانات سیاسی موجود بود. زیرا سازمانهای سیاسی مخالف رژیم در تئوری و عمل انقلابی ضعیف بودند و هرگز نتوانستند یک تشکیلات منضبط و منظم سیاسی بوجود آورند و علت این امر آن بود که جریانات سیاسی موجود نه در عرصه عمل انقلابی در میان توده ها بلکه در مبارزات سالنی و روشنفکرانه شکل گرفته بودند و هیچگونه ارتباطی با عمل انقلابی نداشتند و طبیعی است که تئوری و عمل انقلابی در جریان یک فعالیت خلاق بمنظور اعتلای مبارزات توده ها رشد میکند نه در گفتگوهای محفلی بدون ارتباط با عمل.

بهر حال تبلیغات رژیم تأثیر خود را کرده بود

و مردم با ناباوری و بی اعتمادی به مبارزات سیاسی مخالف رژیم نگاه میکردند زیرا تجارب عملی امکان هر گونه امیدواری را از ایشان سلب میکرد. حتی

نیروهای صدیق و پیشرو انقلابی از طرف مردم تخطئه میشوند و به آنها اظهارمینند که شما نیز آینه اید ای بهتر از نیکخواه ها و پارسانژادها ندارید. خفقان و یأس فضای سیاسی موجود جامعه را انباشته بود و دشمن سرمست و مغرور در حالیکه حتی روحیه های مقاومت جویانه را تضعیف کرده بود. ترکانازی میکرد در چنین شرایطی نیاز مبرم به تغییر فضای سیاسی میهن پیش از هر وقت دیگر احساس میشود و درست در همین شرایط بود که عده ای از مبارزین راستین بدور از تأثیرات منفی جنگ روانی دشمن در پایگاه های چریکی سلاحهای خود را برای آغاز مبارزه آماده میکردند و با تعهدی بزرگ مبارزه ای واقعی، طولانی و دشوار را بر علیه دشمنان خلق تدارک میدیدند.

در چنان شرایطی آغاز مبارزه دراز مدت مسلحانه

بر اساس اعمال تاکتیکهای تبلیغ مسلحانه تنها راه و درست ترین راه ادامه مبارزه بود که بالاخره این راه

در ۱۹ بهمن ۴۹ توسط پیشگامان دسته جنگل از - سازمان چریکهای فدائی خلق گشوده شد . راهی که تا پیروزی نهائی خلق ما بر دشمنانش ادامه خواهد داشت .

با جنبش دانشجویی دانشجویان ایرانی خارج از کشور آشنا شویم

از سال ۱۹۶۰ فعالیت عناصر وابسته به احزاب سیاسی و جبهه ملی ایران در اروپا بخاطر بوجود آوردن انجمنهای دانشجویی در شهرهای دانشگاهی اروپا و سرو سامان دادن به وضع محفلهها و مجامع دانشجویی که در برخی از شهرها از قبل بوجود آمده بودند شکل گرفت و در آلمان غربی و انگلستان به تشکیل فدراسیون دانشجویان ایرانی انجامید و پس از آن کنفدراسیون اروپائی دانشجویان ایرانی بوجود آمد . واحدهای تشکیل دهنده کنفدراسیون اروپائی در این زمان عبارت بودند از فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی و برلن - فدراسیون دانشجویان ایرانی در بریتانیا و سازمانهای دانشجویی - یان ایرانی مقیم اطریش - اتحادیه فرانسه و

سازمان سوئیس (لوزان) .

در سال ۱۹۶۱ جلسه ای با شرکت عده ای از فعالین در شهر هایدلبرگ (آلمان غربی) برگزار شد تا مقدمات تشکیل یک کنگره وسیع دانشجویی را تدارک بینند . در آمریکا نیز فعالیت دانشجویان مرفقی موجب نفوذ در سازمان دانشجویان در آمریکا که تا آن زمان تشکیلات آن توسط وابستگان رژیم ایران و مؤسسات آمریکائی اداره میشد گردید و رهبری آن بدست گرفته شد . کوشش هیئت دبیران کنفدراسیون اروپائی که مرکز آن در لندن بود و مسئولیت برگزاری اولین کنگره وسیع کنفدراسیون بعهدہ اوگداشته شده بود و مقدماتی که در پیش کنگره هایدلبرگ فراهم آمده بود منجر به تشکیل اولین کنگره کنفدراسیون در

ژانویه ۱۹۶۴ در پاریس گردید .

در اولین کنگره علاوه بر شرکت نمایندگان سازمانهای دانشجویی از کشورهای آلمان غربی و انگلستان و اطریش

و فرانسه و سوئیس، نمایندگان سازمان سراسری ایالات متحده آمریکا نیز شرکت داشتند . همچنین سازمان دانشجویان دانشگاه تهران با اعلام عضویت خود در کنفدراسیون به آن شکل خاصی بخشید ، با تشکیل این کنگره، کنفدراسیون موجودیت خود را رسماً با نام "کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی" اعلام کرد . از جمله تصمیمات این کنگره گسترش روابط بین المللی کنفدراسیون بود که بدنبال این تصمیم کنفدراسیون جهانی کوششهایی را برای عضویت در اتحادیه بین المللی دانشجویان جهانی (I. U. S.) و سازمان بین المللی دانشجویان (گوسک) بنماید .

بعد از کنگره پاریس کنفدراسیون اروپائی از بین رفت و فرم تشکیلاتی نوینی در سطح جهانی طرح ریزی و پیاده شد . بعد از موفقیت کنگره پاریس و تشکیل کنفدراسیون جهانی رژیم دیکتاتوری شاه برای

خفه کردن نطفه فعالیت دانشجویان و جلوگیری از گسترش مبارزات آنان اقدامات وسیعی را آغاز کرد و در بدو امر برای تحت فشار گذاشتن مسئولین کنفدراسیون از تمدید گذرنامه دو نفر از افراد هیئت دبیران کنفدراسیون سر باز زد تا بخیال خود بدین وسیله ترس در دل دانشجویان انداخته و آنها را از پیوستن به کنفدراسیون بر حذر دارد. این امر موجب شد که اولین تظاهرات وسیع و یکپارچه کنفدراسیون در سطح جهانی بوقوع بپیوندد. تظاهرات که به اشغال سفارتخانه ها و کسولگریهای رژیم در اروپا و امریکا منجر شد برای اولین بار قدرت کنفدراسیون جهانی و همبستگی دانشجویان را علیه رژیم شاه به نمایش گذاشت و کنفدراسیون از آن پس در سطح وسیعی شناخته شد و در مطبوعات و تلویزیونهای کشورهای جهان بعنوان یک نیروی جدید بحساب آمد. رژیم که قصد داشت با عدم تمدید گذرنامه هـ

دو نفر از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون را از امریکا بیرون برانده در مقابل این موج وسیع مجبور به عقب نشینی شد. این امر زمینه مساعدی برای فعالیتهای آینده کنفدراسیون بوجود آورد و دانشجویان مبارز را بهم نزدیک کرد و قدرتشان را به ثبوت رسانید.

به دنبال این تظاهرات تظاهراتی علیه مسافرت دکتر امینی (نخست وزیر وقت) به آلمان - تظاهراتی به پشتیبانی از مبارزات درون کشور علیه رفر اندم قلابی شاه خائن به مناسبت "انقلاب سفید" تظاهرات و اعتصاب غذای اعتراض آمیز علیه دستگیری و محاکمه مبارزان درون کشور و دهها تظاهرات موفق دیگر مواضع مترقی کنفدراسیون را به جهانیان شناساند و در معرفی چهره منفور رژیم شاه به افکار عمومی کشورهای اروپا و امریکا نقش مهمی ایفا کرد.

در ژانویه ۱۹۶۳ کنگره لوزان (سوئیس) با

شکوه تمام تحت عنوان "کنگره وحدت" تشکیل شد، در این کنگره نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران نیز شرکت کرده بودند. این نمایندگان شعار "اتحاد مبارزه - پیروزی" را برای نخستین بار به کنگره آوردند که تا امروز نیز بعنوان شعار اصلی کنفدراسیون جهانی باقی مانده است. در این کنگره کنفدراسیون دانشجویان ایرانی عضویت خود را در سازمان بین-المللی دانشجویان (کوسک) به تصویب رساند. *

عضویت کنفدراسیون در سازمان بین المللی دانشجویان امکانات بیشتری را برای افشاء رژیم ایران در اختیار دانشجویان میهن پرستان ایرانی میگذاشت و ضمناً

* سازمان بین المللی دانشجویان (کوسک) یک مجمع جهانی دانشجویی متعلق به غرب میباشد که اکثر سازمانهای ملی دانشجویی کشورهای جهان در آن عضویت داشتند و مرکز آن در هلند بود.

به کنفدراسیون شناسائی جهانی میداد، بدین لحاظ بود که این عضویت مهم تلقی میشد.

کنگره سوم کنفدراسیون جهانی در ژانویه ۱۹۶۴ در لندن برگزار شد. در این کنگره هم نماینده دانشگاه تهران شرکت داشت.

کنگره چهارم کنفدراسیون در ژانویه ۱۹۶۵ در کن (آلمان غربی) برگزار شد. در این کنگره

سازمان زنان مرفقی ایران در خارج از کشور موجودیت خود را اعلام داشت و اولین کنگره خود را در جوار کنگره کنفدراسیون برگزار کرد.

در سال ۱۹۶۵ واقعه کاخ مرمر و دستگیری شرکت کنندگان آن که اعضای سابق کنفدراسیون بودند موجب شد که کنفدراسیون با تمام امکاناتش بدفاع پرداخته و وارد عمل شود، این مسئله بطور غیرمنتظره ای در خط مشی کنفدراسیون اثر مثبت گذاشت و نقطه عطفی در حیات کنفدراسیون گردید. واحد

های کفدراسیون وسعت گرفت، توده های دانشجو-
 حرکت در آمدند و از اکثر امکانات خود علیه رژیم-
 استفاده کردند، انتشارات کفدراسیون هر روز در سطح
 بالاتری به افشاگری رژیم شاه می پرداخت و متحدین-
 جدیدی در گوشه و کنار جهان پیدا میکرد کفدراسیون
 در کشورهای اروپا و امریکا روابط خود را با افراد مترقی
 سازمانهای سیاسی و حقوقی، دانشگاهها و دانشجو-
 یان سراسر جهان گسترش داد، نقطه نظرهای
 کفدراسیون مورد پشتیبانی وکلای پارلمانهای کشورهای
 اروپائی قرار گرفت و جمعی برای همکاری پا به میدان
 گذاشتند، مانند وکلای مجلس انگلستان (جناح چپ
 حزب کارگر)، ایتالیا - اسکاتلندیناوی - سوئیس
 کفدراسیون فوراً به تشکیل کمیته های دفاع و-
 همبستگی در سطح جهان دست زد. نویسندگان
 و فلاسفه و شخصیتهای علمی مشهوری چون برتراند-
 راسل - ژان پل سارتر - گونار میردال - سیمون دوبوار

و پشتیبانی خود را از خواستهای کفدراسیون -
 سیون اعلام داشتند و در کمیته های دفاعی شرکت
 نمودند. قهرمانان مبارزه با فاشیسم در اروپا -
 (بخصوص از کشور ایتالیا) در کنار کفدراسیون
 قرار گرفتند و کفدراسیون در شهرهای مختلف دست
 به تظاهرات چند هزار نفری و اعتصاب غذاهای چند
 صد نفری زد. در اعتصاب غذای مرکزی کفدراسیون
 که نمایندگان دانشجویان از کشورهای مختلف اروپا
 شرکت داشتند بیش از صد نفر دانشجو مدت ده روز به
 اعتصاب غذای خود ادامه دادند تا دبیر کل سازمان
 ملل متحد (اوتانت) را مجبور کردند از امکانات
 خود برای تحقق خواستهای کفدراسیون استفاده
 نماید. اتحادیه های بزرگ کارگری و سازمانهای
 مارکسیستی و کمونیستی از کشورهای فرانسه - بلژیک
 ایتالیا - انگلستان و روابط نزدیک با کفدراسیون -
 سیون برقرار کردند و پشتیبانی خود را اعلام نمودند.

سند پیکای بزرگ کارگران فرانسه C. G. T. طی نامه هائی پشتیبانی خود را از خواسته های کنفدراسیون اعلام داشت . مجمع حقوقدانان دمکرات ، سازمان عفو بین المللی ، کانون بین المللی وکلای ودهها سازمان واتحادیه حقوقی و بین المللی برای کمک به کنفدراسیون جهانی پا به میدان گذاشتند .

از آن پس کنفدراسیون به این نتیجه رسید که با قدرتی که بدست آورده بود و زمینه ها ئی که فراهم شده میتواند بطور مطلوبی به زندانیان سیاسی ایران کمک کند و از حقوق آنان دفاع نماید و از این طریق وظایف خود را نسبت به جنبش مردم ایران ایفاء نماید . بدین منظور از این تاریخ امر دفاع از زندانیان سیاسی ایران در فعالیتهای کنفدراسیون وارد شد و جنبه خط مشی آن درآمد . ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی کنفدراسیون وسعت پیدا کردند که در این زمان عبارت بودند از " ۱۶ آذر " ارگان تبلیغاتی کنفدراسیون

سیون - " پیمان " ارگان دفاعی کنفدراسیون - " نامه پارسی " ارگان تحقیقی کنفدراسیون . ضمناً انتشارات افشاگرانه دیگری نیز توسط واحدهای کشوری و شهری انتشار مییافت و در کشورهای مختلف ترجمه و پخش میشد .

* * *

شاه خائن در ماه مه ۱۹۶۷ برای اولین بار بعد از تشکیل کنگره کنفدراسیون قصد داشت به آلمان غربی سفر کند . فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان که بزرگترین و قویترین واحد کشوری کنفدراسیون بود ، توانسته بود با فعالیت چندین ساله خود زمینه مساعدی برای مبارزه علیه رژیم شاه بوجود بیاورد و متحدینسی در سطوح مختلف پیدا کند . شاه خائن تصمیم داشت با مسافرت به آلمان و دادن امتیازاتی به آن کشور جلوی فعالیت دانشجویان ایرانی را بگیرد (این خواست شاه بعد از پایان مسافرتش فاش شد) کنفدراسیون با برپا کردن بزرگترین و با شکوهترین تظاهرات خود

افکار عمومی را متوجه سفر توطئه آمیز شاه خائن نمود
این تظاهرات دامنه ای بسیار وسیع پیدا کرد و دانشجویان
— یان مترقی آلمان و دانشجویان خارجی مقیم آلمان
نیز در آن شرکت جستند. برای محافظت جان شاه
دولت آمریکا ایست آلمان به بزرگترین تدابیر امنیتی
خود دست زد که تا امروز در آلمان بی سابقه بوده و
هنوز روزنامه ها بعنوان یک نمونه از تسلط پلیسی از آن
یاد میکنند. شاه خائن در آن روزها بهر کجا
که میرفت با صفوف متشکل تظاهرکنندگان ایرانی
و خارجی مواجه میشد و با گوجه فرنگی و تخم مرغ
گندیده و شعار "مرگ بر شاه قاتل" از او استقبال
بعمل می آمد. شاه در جواب خبرنگاران که علت
تظاهرات ایرانیها را که علیه او صورت میگرفت پرسیدند
گفت که "کمونیزم بین الملل این تظاهرات را بسراه
انداخته است! در روز دوم ژوئن ۱۹۶۷ تظاهرات
علیه شاه باوج خود رسید. شاه و فرح برای باز دید

از اپرای برلن میرفتند که با تظاهرات چندین هزار
دانشجو (روزنامه ها رقم ده هزار نفر را نوشته بودند)
روبرو شدند. دانشجویان فریاد میزدند "شاه قاتل
است"، "مرگ بر شاه"، "مرگ بر نوکر امریکا". . . .
شدت تظاهرات آنچنان بود که پلیس برای مقابله با
دانشجویان به میدان آمد. زد و خورد سختی بین
پلیس و دانشجویان در گرفت. پلیس از همه امکانات
تش استفاده میکرد تا دانشجویان را متفرق گرداند
در این تظاهرات بر اثر تیراندازی پلیس یک دانشجوی
آلمانی از دانشگاه برلن بقتل رسید. مسافرت شاه
به آلمان و تظاهرات دانشجویان موضوع روزنامه های
جهانی شد و موج نفرت و انزجار علیه شاه و رژیمش
را برانگیخت. شاه در وقت مراجعتش از آلمان به یک
خبرنگار گفت که اگر میدانست اوضاع از این قرار است
هرگز به این سفر نمی آمد. او ناراضی خود را از پلیس
مخفی خود که نتوانسته بود اوضاع را بد رستی برایش

تشریح کند برزبان راند و بعد از مراجعتش به ایـران
رئیس سازمان امنیت در اروپا سرلشکر علوی کیا از مقامش
برکنار گردید ، بدین ترتیب دوم ژوئن به یک روز -
فراموش نشدنی در تاریخ مبارزات دانشجویان مـترقی
آلمان تبدیل گردید و برای زنده نگهداشتن این روز
یکی از گروههای سیاسی روشنفکران آلمانی که هم اکنون
نیز فعالیت چشمگیر مخفی دارد و بکارچریکی شهری
مشغول است بنام "جنبش دوم ژوئن" نام گذاری شده
است .

همزمان با رسوائی شاه در آلمان که اوج معروفیت
کنفدراسیون نیز بود نهضت مـترقی دانشجویان در اروپا
و آمریکا هرروز موفقیتهای بیشتری کسب میکرد و دامنه
آن بهمه جا کشیده میشد و کنفدراسیون جهانی به
مثابه قدرت مـترقی در کنار دانشجویان خارجی
فعالیت مینمود و وزنه ای در صحنه مبارزات اروپا
محسوب میشد (سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱) .

در این سالها بزرگترین تظاهرات دانشجویی در جهان
(بخصوص در آلمان و فرانسه و ایتالیا) برگزار میشد
تظاهرات بنفع ویتنام - تظاهرات علیه بمباران ویتنام
شمالی توسط آمریکا - تظاهرات علیه قانون خارجیها
تظاهرات بنفع فلسطینیها - تظاهرات علیه قانون خاص
در آلمان که به پلیس آزادی فوق العاده در مواقع
ضروری میدهد و درها تظاهرات دیگر که کنفدراسیون
در آن نقش مؤثر و فعال داشت از جمله فعالیتها
است که کنفدراسیون در قالب جنبش دانشجویان اروپا
به انجام رساند و همبستگی مستحکمی بین خود و -
سازمانهای دانشجویی مـترقی ایجاد نمود .

کنگره های کنفدراسیون در این سالها با دریافت
صدها پیام شاد باش و همبستگی و پشتیبانی از سراسر
جهان برگزار میشد و تلگرافها و پیامهایی که از جانب
دولت انقلابی ویتنام جنوبی - سازمان دانشجویان
ویتنام شمالی - سازمان دانشجویان مـترقی کامبوج -

سازمان آزاد بیخس فلسطین و بنام کنفد راسیون جهانی ارسال میشدند، شور خاصی بکنگره و تحرکسی بفعالیت‌های همه جانبه اعضای کنفد راسیون میبخشید و وزن خاصی به کنفد راسیون جهانی در میان نیروهای مترقی میداد. کنفد راسیون جهانی ضمناً بعضویت اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (I.U.S) هم در آمد *

* علت تأخیر عضویت کنفد راسیون در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (I.U.S) که از طرف کشورهای اروپای شرقی و بخصوص شوروی حمایت و تقویت میشود و مرکزش در پراگ (چکسلواکی) است بودن "توسو" بعنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران در آن بود مقررات اتحادیه چنین بود که از هر کشور یک نماینده میتواند بعضویت اتحادیه در آید و چون "توسو" (سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲- وابسته به حزب

کنفد راسیون در این سالها در دوسطح بین‌المللی

* پاورقی از صفحه قبل -

توده (بعضویت این اتحادیه پذیرفته شده بود کنفدراسیون جهانی نمیتوانست عضو پیوسته شود و چند سال بعنوان ناظر باقیمانده چون رهبری حزب توده (که مقیم خارج از کشور است) با خروج "توسو" که نه سازمانی از آن باقیمانده بود و نه رابطه‌ای با دانشجویان ایرانی داشت موافقت نمیکرد. بالاخره در سال ۱۹۶۶ با جریاناتی که بوقوع پیوست و توافقاتی که صورت گرفت "توسو" کنفد راسیون را بعنوان تنها نماینده دانشجویان ایرانی برسمیت شناخت و با خارج شدن از اتحادیه بین‌المللی کرسی کنفد راسیون را آزاد کرده و راه را برای ورود کنفد راسیون بازنمود و بلافاصله کنفد راسیون بعضویت این اتحادیه در آمد.

و داخلی فعالیت چشم گیری داشت. در سطح بین المللی در راه پیوند با سازمانهای مترقی - همکاری و تقویت نیروهای ضد امپریالیستی ایجاد ارتباط با سازمانها و مجامع حقوقی و بین المللی - ایجاد پایه های دوستی و همکاری در میان مطبوعات و دستگاه های تبلیغاتی غرب و گام بر میداشت و در سطح داخلی هم خود را مصروف وسعت بخشیدن به تشکیلات و ارتقاء سطح آگاهی و دانش دانشجویان و متشککل کردن آنان علیه رژیم دست نشانده شاه میکرد. این فعالیتها بود که توانست کفدراسیون و تشکیلات آنها را در مقابل یورش رژیم و توطئه های رنگارنگ امپریالیسم و ارتجاع حفظ نماید. یورش رژیم با برنامه تنظیم شده ای شدت میگرفت و باین منظور سازمان امنیت عده ای از مأموران با سابقه و زبردست خود را بخارج اعزام داشته بود و این مأموران بعدا شبکه های سازمان امنیت را در اروپا و امریکا گسترش دادند

وزیر نظر پرویز خوانساری مأمور سازمان امنیت (رئیس فعلی سازمان امور دانشجویان خارج از کشور و سفیر فوق العاده شاه) بانجام وظائف خیانت آمیز خود پرداختند. عدم تمديد گد برنامه دانشجویان فعال و توقیف گد برنامه مسئولین و تهدید آنان توسط نوکران ساواک و دهها توطئه دیگر چون نتوانست مؤثر واقع شود و دانشجویان میهن پرست را از فعالیتهایشان باز دارد، رژیم به آخرین حربه خود دست زد و غیر قانونی شناختن کفدراسیون جهانی را پیش کشید و اعلامیه دادستان ارتش مبنی بر اعلام مجرمیت اعضای کفدراسیون و تعیین حبسهای ۳ تا ۱۰ سال برای کسانی که با کفدراسیون همکاری کنند و یا در تشکیلات آن باقی بمانند انتشار یافت این برنامه های تهدید و تطمیع و میتوانست زنگ خطری برای کفدراسیون باشد، اگر چنانچه کفدراسیون از قبل خود را برای این روزها و پیشامدن اینگونه مسائل و برخورد شدیدی

با رژیم شاه آماده نکرده بود . مخصوصا اینکه این یورش با توطئه و همکاری کشورهای امپریالیست علیه کنفدراسیون همراه بود . در آلمان غربی به تصویب رساندن " قانون خارجیها " برای محدود کردن فعالیت خارجیها و تهدید کردن آنان به اخراج در صورت رها نکردن فعالیتهای سیاسی ، یورش پلیس کشورهای آلمان و اتریش به تشکیلات کنفدراسیون و به محاکمه کشیدن مسئولین و اعضای سازمانهای وابسته به کنفدراسیون به بهانه " فعالیت سیاسی غیر مجاز " همه و همه برای از میدان بدر کردن کنفدراسیون بوجود آمده بود . کنگره دوازدهم کنفدراسیون ، نمایش پر شکوه آگاهی ، همبستگی و پایداری دانشجویان ایرانی در قبال مبارزات مردم ایران بود . این کنگره اولین کنگره بعد از صدور اعلامیه " داستان ارتش و فشار امپریالیستها بود . دانشجویان با شرکت وسیع خود در این کنگره مشت محکمی بر دهان رژیم دست

نشانده کوبیدند و مأموران عالیرتبه سازمان امنیت چون ثابتی را که برای بررسی نتایج اقدامات سازمان از تهران به محل کنگره شتافه بودند و پنهانی جریانات کنگره را زیر نظر داشتند سراپا خجل و شرمند کردند .^۱ بیش از هزاران دانشجو از سراسر جهان به نمایندگی رفقای خود در کنگره شرکت کردند و وابستگی خود را به کنفدراسیون جهانی اعلام داشتند . سازمان امنیت خوب دریافت که قادر نیست با اینگونه دسیسه ها و توطئه ها به جنگ کنفدراسیون بیاید .

شرایط مساعد و جو سیاسی که بر اثر جنبش دانشجویان مترقی در اروپا بوجود آمده بود حواشی که منجر به قدرت گرفتن و معروفیت کنفدراسیون جهانی شده بود از همه مهمتر تاءثیر مثبت مبارزه " خلقهای در زنجیر و موفقیت های آنها و همچنین آغاز جنبش نوین مبارزه " مسلحانه در کشور ، همه و همه وضع

مناسبی برای کفدراسیون جهانی ایجاد کرده بود تا بانبروئی قوی به مقابله با برنامهٔ مسخرهٔ جشنهای ۲۵۰۰ سالهٔ رژیم بروید و آنرا در سطح جهانی مفتضح گرداند. افکار عمومی آنچنان در آلمان پشتیبان کفدراسیون و خواهان آن بود که شرکت رئیس‌جمهور آلمان را در مراسم جشنهای ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی مانع شد و فعالیتهای پشت پردهٔ رژیم هم نتوانست بروئی برای شاه و جشنش دست و پا کند. عدهٔ کثیری از شخصیتها و دانشمندان و حتی رؤسای دولتها بخاطر آگاهی یافتن از چگونگی و اهداف این برنامهٔ مسخره و قرار گرفتن در مقابل افکار عمومی کشورهای خود، دعوت شاه را رد کردند و در مراسم جشنها حضور نیافتند و برخی از آنان بحمايت از مواضع کفدراسیون برخاستند و در مجالس افشاگرانهٔ کفدراسیون که با حضور چندین هزار نفر برگزار میشد شرکت کرده و پشتیبانی

خود را از مبارزات مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاه اعلام داشتند. کفدراسیون در طول مراسم جشنهای ۲۵۰۰ ساله به یکی از موفق‌ترین برنامه‌های اعتراضی خود دست زد. در تظاهرات مردم کفدراسیون علیه برنامه‌های رژیم، بدنهٔ کفدراسیون بحرکت درآمده بود و دانشجویان آنچنان ابتکار و قابلیت از خود نشان دادند که منجر به تعطیل برنامه‌های تبلیغاتی رژیم که قصد برگزاری آنها را در شهرهای مهم اروپا و آمریکا داشت و قبلاً اعلام کرده بود، گردید. یکی از برنامه‌های جالب و موفق کفدراسیون تشکیل کمیته‌های مقابله با جشنهای شاه بود که در آن کمیته‌ها افراد و شخصیت‌های برجستهٔ علمی و سیاسی و دانشگاهی که برخی از آنان معروفیت جهانی دارند شرکت داشتند روزانه صد هانشریه در این زمینه از طرف واحد‌ها و سازمانهای خارجی انتشار پیدا میکرد و روزانه

دهها هزار اعلامیه بزبانهای مختلف پخش میشدند .
 شعارها و پوستره‌های متعدد و مختلف کفدراسیون
 در مکانهای عمومی ، در دانشگاهها ، در کتابخانه
 ها و معا بر دیده میشد . هر روز در یکی از شهر -
 های مهم تظاهرات بزرگ بپا میشد و برنامه ها اجرا
 میگردد . برنامه های بحث و سخنرانی و فیلم مرتباً
 صورت میگرفت . مطبوعات ، رادیوها و تلویزیونها
 مفصلاً این جریانات را منعکس میکردند . هر روزنامه
 و مجله ای که از جشنهای شاه یاد میکرد خبر
 تظاهرات دانشجویان ایرانی و خواسته های آنان
 را در کنار آن خبر منعکس میکرد . بزرگترین نمایشگاه
 کتاب جهان که هر سال در فرانکفورت (آلمان غربی)
 برگزار میشود ، در نتیجه فعالیت کفدراسیون قطع
 نامه ای مبنی بر محکوم کردن رژیم شاه و جشنهای
 ۲۵۰۰ ساله بخاطر ظلم و ستمی که به نویسندگان
 و شاعران و روشنفکران اعمال میشود ، به تصویب رساند

و غرفه ای رایگان در اختیار کفدراسیون جهانی گذاشت
 تا انتشارات خود و کتابهای ممنوعه در ایران را به
 نمایش جهانیان بگذارد . همچنین اجازه استفاده
 از یکی از سالنهای بزرگ نمایشگاه را جهت برگزاری
 برنامه مخصوص علیه جشنهای ۲۵۰۰ ساله به کفدراسیون
 داد و کفدراسیون برنامه جالبی با حضور چند
 هزار نفر از بازدید کنندگان نمایشگاه اجرا نمود
 کنگره رؤسای دانشگاههای آلمان غربی که از
 مهمترین و وزین ترین ارگانهای علمی و دانشگاهی آلمان
 محسوب میشود قطعنامه ای در دفاع از حقوق دانشجو
 - یان ایرانی و دفاع از موجودیت تشکیلات آنها و
 اعتراض به تصمیم رژیم در باره غیرقانونی شناختن
 کفدراسیون و مجازات برای آن صادر کرد .
 کفدراسیون جهانی در جهت دفاع از مبارزین
 درون کشور و پشتیبانی از جنبش مسلحانه خلق نیز
 فعالیت چشمگیری دارد .

کفدراسیون از همان بدو تشکیل در زمینه افشای
کردن رژیم شاه و جنایات آن، توجهی خاص به وضع
زندانیان سیاسی و دستگیری مبارزین درون کشور
مبدول میکرد. در سال ۱۳۴۱ اعتراض به دستگیری
سران جبهه ملی در ایران در سطحی وسیع
مطرح کرد و اولین اعتصابات غذای دانشجویان
خارج از کشور در اعتراض به محاکمه سران نهضت
آزادی در سطح جهانی بوقوع پیوست. این اعتصابات
غذا که بطریق منطقه ای صورت گرفت در شهرهای
اروپا بخاطر استفاده از این روش که برای اروپائی
ها تازگی داشت، بسیار مورد توجه واقع شد.
بخصوص که دانشجویان محلهای اعتصاب را در معابر
عمومی، در جلوی شهر اریها، میدانهای بزرگ
شهر، کلیساها و مؤسسات بین المللی انتخاب کرده
بودند.

از سال ۱۹۶۵ بعد کفدراسیون در امر دفاع

از زندانیان سیاسی وارد مرحله نوینی شد، (بعد
از موفقیت برنامه دفاعی در پشتیبانی از متهمین واقعه
کاخ مرمر کهده ای از آنها اعضای سابق کفدراسیون
بودند) و کلیه اخبار و جریانات مربوط به دستگیری
و محاکمه مبارزین سیاسی در ایران توسط کفدراسیون
در سطح جهانی منعکس میشد و برای دفاع از حقوق
زندانیان سیاسی اقدامات وسیع صورت میگرفت:

- دفاع از جنوردی و یاراناش (اعضای حزب
ملل اسلامی) در سال ۱۳۴۵.
- دفاع از خاوری و حکمت جو (اعضای حزب
توده) در سال ۱۳۴۵.
- دفاع از گروه ۱۴ نفر (جزئی - سورکسی -
ظریفی - کلانتری و) در سال ۱۳۴۷.
- اعتراض به کشتار رژیم در فارس و کردستان
(کشتار شریف زاده و معینی و . . .) در سال ۴۷
- اعتراض به شکنجه و کشتار مبارزین مهندس

نیک داودی و آیت اله سعیدی در سال ۱۳۴۸ .
 - دفاع از گروه فلسطین (پاکژاد - بطحائی -
 کاخساز - و شالگوتهی و . . .) در سال ۱۳۴۹ .
 قسمتی از فعالیتهای وسیع دفاعی کنگد راسیون
 قبل از جنبش مسلحانه سیاهگل را تشکیل میدادند
 اقدامات وسیع کنگد راسیون و فشار افکار عمومی در سطح
 جهانی بارها و بارها رژیم را به عقب نشینی واداشت
 دفاع از گروه جزئی در سطحی نسبتا وسیع و با فعالیتی
 پیگیر صورت گرفت و توجه محافل حقوقی و بین المللی
 را به مسائل ایران و ادگاههای نظامی رژیم معطوف
 ساخت و رژیم را وادار کرد تا محاکمه این دسته را
 علنی اعلام کند و با اعزام هیئت ناظر خارجی و -
 روزنامه نگاران خارجی برای شرکت در جلسات ادگاه
 موافقت نماید ، با وجودیکه دادستان رژیم برای
 ۱۱ نفر از افراد این گروه تقاضای اعدام کرده بود
 معینا رژیم در مقابل فعالیتهای افشاءگران -

نتوانست قصد جنایتکارانه خود را انجام دهد و مجبور
 شد آنان را به حبسهای ابد و طویل المدت محکوم
 سازد .
 همچنین در مورد دفاع از گروه فلسطین نیز رژیم
 در مقابل افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی شد
 و کلاهی اعزامی کنگد راسیون (نمایندگان انجمن
 حقوقدانان دمکرات و سازمان عفو بین المللی) بعد
 از شرکت در جلسات ادگاه و مراجعت به اروپا
 در جلسات و میتینگهای بزرگ به تشریح وضع ادگاه -
 های نظامی و کیفر خواست پرداختند . وزیر عنوان
 " دادگستری در ایران " سببیت و قانون شکنی رژیم
 خونخوار و عدم رعایت حقوق بشر در ایران را افشاء
 کردند از این پس رژیم به جنگ با سازمانهای حقوقی
 بین المللی پرداخت و دیگر به نمایندگان این محافل
 شناخته شده اجازه شرکت در جلسات ادگاهها و
 حتی ورود به ایران را ندادند و در سال ۱۹۷۱ با خراج

نماینده سازمان عفو بین‌المللی از ایران و دستگیری مترجم او (حسین رضائی دانشجوی ایرانی و عضو کفدراسیون جهانی که هنوز هم در زندان است) اقدام ورزید .

کفدراسیون در اوایل اسفند ماه ۱۳۴۹ اعلامیه گروه جنگل که در روز ۱۹ بهمن ۴۹ عملیات قهرمانانه حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل را انجام داد را در صفحه اول نشریه ارگان خود " ۱۶ آذر " شماره مخصوص انتشار داد و خبر دستگیری گروه جنگل را به اطلاع رساند و بفوریت مشغول طرح ریزی يك برنامه مفصل دفاعی در سطح جهانی شد متأسفانه رژیم خونخوار ضد خلقی بدون انتشار اخبار مربوطه چنان برق آسا دست به کشتار مبارزین زد که کفدراسیون غافلگیر شد و در مقابل عمل انجام شده قرار گرفت و عملاً جز تبلیغات و پخش خبر در سطح جهانی کار دیگری در مورد دفاع از-

دستگیر شدگان نتوانست انجام دهد بعد از انتشار خبر اقدام گروه جنگل کفدراسیون برنامه اعتراضی خود را در سطح جهانی دنبال کرد که اخبار آن همراه با پخش خبر اقدام میهن پرستان در مهمترین مطبوعات جهان منعکس شد و علیرغم میل رژیم که مایل نبود اخبار آن را منته و وسیع پیدا کند ، حقایق با اطلاع جهانیان رسید . از این پس با یورش رژیم به مبارزین و آغاز موج دستگیریها فعالیت دفاعی کفدراسیون شکل خاصی بخود گرفت و در همه زمینه ها تشدید شد و دبیرخانه جدا گانه ای برای امور دفاعی بوجود آمد . اعلام خبر دستگیری اعضای سازمان مجاهدین خلق و دفاع از آنها در سال ۱۳۵۰ ، دفاع از حقوق دستگیر شدگان سازمان چریکهای فدائی خلق و اعتصاب غذای کفدراسیون در پاریس در اسفند ۱۳۵۰ که بمدت ۱۱ روز با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر نماینده دانشجویان در فاصله پایان دادگاه بدوی و پایان کار دادگاه تجدید نظر

رفقا مسعود و مجید احمدزاده و برادران -
 مفتاحی و حمید توکلی صورت گرفت و افکار جهانیان
 را بجزایانات وحشیانه ای که در ایران صورت می گرفت
 معطوف داشت، بخشی از این فعالیتها را نشان
 میدهد.

با وسعت پیدا کردن دامنه دستگیریها و کشتار
 مبارزین در ایران، کفدراسیون به تجدید نظر در
 سیاست دفاعی خود اقدام ورزید، ابتدا سیاست
 دفاعی خود را به بحث عمومی گذاشت و شرایط جدید -
 ایران را در این زمینه بررسی کرد و خط مشی دفاعی
 خود را با توجه به مسائلی که در ایران بروز کرده بود
 تدوین نمود. به موجب این خط مشی مسائل دفاعی

محور فعالیتهای کفدراسیون شد و برنامه های
 دراز مدت و مداوم برای دفاع از حقوق زندانیان
 سیاسی و نشان دادن ماهیت رژیم ضد خلقی شاه
 تنظیم گردید و قرار بر این شد که کلیه دفاعیات

و اطلاعیه ها و انتشاراتی که از طرف مبارزین درون -
 کشور پخش میشود و بدست کفدراسیون جهانی
 میرسد، بدون توجه باینکه میتواند محتوای آن مغایر
 بانظر گروهی از افراد کفدراسیون باشد، چاپ
 و در سطح وسیعی در جهان پخش گردد.
 تاکنون تعداد زیادی از انتشارات، اعلامیه ها
 دفاعیات و سازمانهای مسلح درون کشور
 از طرف کفدراسیون جهانی بزبانهای فارسی
 و خارجی انتشار پیدا کرده است و در سطح
 وسیع پخش شده است.

کفدراسیون طی برنامه دفاعی خود (که دفاع
 از زندانیان سیاسی را محور اصلی فعالیتهای خود
 قرار داده است) هیچگاه از پشتیبانی جنبش درون
 کشور غافل نشده و با اجرای برنامه های گوناگون
 و فعالیت وسیع دفاعی کمکهای در خور توجهی به
 تبلیغ جنبش خلق و سازمانهای مسلح نموده
 است.

اشغال سفارتخانه ها و کسولگریهای رژیم در کشورهای اروپائی در اعتراض به اعدام روشنفکران انقلابی خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان در سال ۱۹۷۳ که سروصدای زیادی براه انداخت و توجه محافل بین المللی را به نقض حقوق بشر در ایران معطوف کرد از دیگر اقدامات کفدراسیون جهانی میباشد .

در ژانویه ۱۹۷۵ کفدراسیون جهانی شانزدهمین کنگره خود را برگزار کرد که سازمان چریکهای فدائیی خلق پیامی به این کنگره ارسال داشت که با استقبال پرشور در کنگره قرائت گردید همراه با این پیام یکی از انتشارات تحقیقی سازمان چریکهای فدائیی خلق نیز بکنگره کفدراسیون هدیه شد .

* * * *

همانطور که یادآوری شد ارتقاء سطح آگاهی و دانش سیاسی دانشجویان که نتیجه کار دراز مدت کفدراسیون بخصوص در زمینه های فرهنگی میباشد یکی از عوامل مهم ایستادگی و مقاومت کفدراسیون و اعضای آن در برابر توطئه های رنگارنگ رژیم بوده و هست . برای آشنائی بیشتر با کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی و طرز کار آن ، به بررسی مختصر کار فرهنگی در درون کفدراسیون می پردازیم :

در هر واحد شهری کفدراسیون (انجمنهای دانشجویی در شهرهای دانشگاهی) یک کمیسیون فرهنگی موجود است . مسئول کمیسیون فرهنگی یا از طرف هیئت کارداران انجمن تعیین میشود و یا از طرف مجمع عمومی واحد شهری انتخاب میگردد . شرکت دانشجویان و ایرانیان مقیم این شهرها در جلسات کمیسیون فرهنگی آزاد است و همه میتوانند در این جلسات اظهار نظر نمایند . کار این کمیسیونها تهیه

رساله در زمینه های سیاسی - اجتماعی - تاریخی و و بررسی و تحلیل مسائل حاد که بیشتر جنبه تحقیقی دارد. برنامه های فرهنگی واحد ها توسط دبیر فرهنگی کنفدراسیون هدایت میشوند. موضوع (تم) رساله ها بر دو گونه است پاره ای از آنها که جنبه اجباری دارد و سالانه از طرف کنگره کنفدراسیون به واحدها ابلاغ میشود تا روی آنها کار شود و اغلب این تمها موضوع سمینارهای کنفدراسیون نیز میباشند که باید در سال بعد برگزار شوند.

پاره ای از موضوعات نیز جنبه محلی دارد و از طرف کمیسیون فرهنگی شهر با توجه به احتیاجات آن واحد و خواست دانشجویان با تأیید مجمع عمومی انتخاب میگردند. کمیسیونهای فرهنگی یک یا دو بار در هفته جلسه دارند. در این جلسات دو نوع کار صورت میگیرد:

بحث و طرح ریزی برای نوشتن يك رساله (که بعد

از بحث کافی و روشن شدن نکته های مبهم و توافق بر سر نکات آن، مسئولیت نوشتن رساله با توجه به نکات مورد بحث به عهده يك یا چند نفر گذاشته میشود) و یا بحث بر روی رساله های رسیده به کمیسیون (که میتواند از طرف یک نفر و یا يك جمع کوچک تهیه شده باشد).

در شهر های بزرگ که تعداد دانشجویان بسیار است شهر را به مناطق مختلف از قبیل منطقه شمال منطقه غرب - و شرق و جنوب تقسیم بندی میکنند و مناطق نیز جلساتی با حضور دانشجویان ساکن آن منطقه ترتیب میدهند و به تهیه رساله میپردازند و بعد رساله های خود را به کمیسیون فرهنگی انجمن ارائه میدهند تا در کمیسیون فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. بعد از اینکه کار در روی رساله در کمیسیون فرهنگی به پایان رسید و نواقص و موارد مورد اختلاف رفع شد کمیسیون رساله را به

مجمع عمومی انجمن ارائه می‌دهد و به بحث عمومی
 گذاشته میشود. مدافع و جوابگوی سئوالات در مورد
 رساله در این جلسه، مسئولین و اعضای کمیسیون فرهنگی
 میباشند (مجمع عمومی انجمن با شرکتکلیه دانشجو-
 یان و داوطلبین هفته‌ای یکبار و در برخی شهرها
 دو هفته یکبار تشکیل میشود که بخشی از وقت جلسه
 به کمیسیون فرهنگی اختصاص دارد و یا انجمن جلسات
 خاص فرهنگی برگزار میکند). رساله‌ای که مورد توافق
 اکثریت شرکت کنندگان مجمع عمومی باشد، بعنوان
 رساله و یا نظر این واحد کفدراسیون محسوب میشود
 و میتواند برای سمینارهای کفدراسیون از طرف این
 واحد ارائه شود. تصمیم در چاپ و پخش رسالات
 بعهده مجمع عمومی میباشد. اگر در مواردی بسرروی
 يك رساله توافق کامل صورت نگیرد فی‌المثل بجای
 ارائه يك رساله به سمینار، در رساله بانظرات متفاوت
 ارسال میگردد بدین ترتیب کارتوده‌ای و جمعی

بر روی يك رساله و یا در باره موضوعی صورت میگیرد و رساله
 و یا جمع بندی جلسه انعکاس از نظریات عمومی
 دانشجویان آن شهر میباشد. در برخی از واحدهای
 کفدراسیون که تعداد دانشجو کم است، کار فرهنگی
 نیز توسط مجمع عمومی صورت میگیرد و یکی از اعضای
 هیئت کارداران (مسئولین انجمن) مسئول امور
 فرهنگی میباشد.

* * * *

اوج گیری مبارزات دانشجویی
پس از آغاز رستاخیز سیاهکلی
و تغییر کیفی در مبارزات
دانشجویان میهن ما

هنگامیکه در ۱۹ بهمن ۴۹ غریورگبار مسلسل‌های
فرزندان راستین خلق ما در جنگ‌های سیاهکلی طنین
افکن شد و آغاز مبارزه مسلحانه اعلام گشت، جنبش
دانشجویی میهن ما تحت تأثیر مبارزات نوین خلق
جان تازه ای گرفت ابعادی گسترده یافت و کیفیتی
نوین از خود بروز داد. هنوز چند ماهی از آغاز
مبارزه مسلحانه نگذشته بود که نیروهای دانشجویی
با الهام از مبارزات پیشگامان سلاح خلق خود بمیدان
مبارزه کشیده شدند. فروردین وارد بیهشت سال
۱۳۵۰ را میتوانیم عطفی نوین در جنبش دانشجویی
میهنمان بحساب آوریم. در این ماهها موج عظیم

تظاهرات و اعتصابات سیاسی دانشجویی به حمایت
از جنبش نوین خلق در دانشگاه‌های ایران براه افتاد
تظاهرات سیاسی وسیع دانشجویان برای نخستین بار
پس از سالها از چهار دیواری دانشگاه‌ها به پهنه
خیابانهای اصلی شهر کشیده شد.
غریو پر شکوه هزاران دانشجویی یکصد افریاد میزدند
"مرگ بر شاه خائن" "درود به شهدای سیاهکلی"
"فرسیو مرگت میارک" و "درود به کارگران شهید جهان
چیت" فضای شهر را آکنده ساخته بود و مردم
هیجان، امید و آگاهی میداد، آگاهی از آغاز تیوری
نوین بر علیه تمام غارتگریها تجاوزات و جنایات
بیگانگان و نوکران داخلیشان در ایران.
حرکت عظیم و شعارهای سیاسی دانشجویان بحمايت
از جنبش نوین خلق، رژیم را وحشت زده کرد و بتکاپو
در آورد. رژیم شاه با تمام قوا در صد سر کوب
تظاهرات نوین دانشجویان بر آمد و بعنوان

جزئی از برنامه ای که از قبل تدارک دیده بود در روز -
های ۱۲ و ۱۱ اردیبهشت . هـ، مزدوران گارد
شهربانی را روانه دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی
نمود . در جریان حمله گارد مزدور شهربانی به
دانشگاهها، مزدوران عده زیادی از دانشجویان
و استادان را مضروب و مجروح نمودند و عده زیادی
را دستگیر ساخته و بزندان افکندند . و پس از مدتی
عده زیادی از دستگیر شدگان را به سرپازی اعزام
داشتند . پس از این یورش برای اولین بار استادان
دانشگاه صنعتی بطور دسته جمعی بمنظور اعتراض
به حمله پلیس، به دانشگاه تصمیم به اعتصاب گرفتند
و بدین وسیله چهره منفور رژیم و نفرت خود را از آن
نشان دادند . این تصمیم استادان دانشگاه صنعتی در
معرفی ماهیت منفور رژیم شاه با فکر عمومی جهان
مؤثر بود .

از این زمان ببعد جریان نوین مبارزات دانشجویی

با الهام از مبارزات مسلحانه خلق آغاز گردید و رو به رشد
نهاد . رژیم شاه که اینک با موج تازه ای از مبارزات
دانشجویی مواجه شده بود در صدد برآمد که بخال
خود اقدامی اساسی وریشه ای بمنظور آرام سازی
دانشگاهها انجام دهد .

بدین منظور در دومین کنفرانس باصطلاح آموزشی
رامسر که در تابستان سال ۵۰ تشکیل شد طرح ایجاد
گارد ویژه دانشگاهها بمنظور کنترل و سرکوب مداوم
جنبش دانشجویی به تصویب رسید و شاه خائن این امر
را از طریق یک مصاحبه مطبوعاتی باپیشرمی تمام اعلام
داشت .

گارد ویژه دانشگاهها با استفاده از ماء موریس
تعلیم دیده گارد شهربانی تشکیل شد و در اول مهر
ماه سال ۵۰ عملاً فعالیت خود را آغاز کرد . بدینسان
حریم مقدس دانشگاههای میهن ما توسط مزدوران چکمه
پوش گارد شکسته شد و کلاسهای درس زیر کنترل

مستقیم پلیس گشایش یافتند . بار دیگر رژیم دیکتاتوری پلیسی - نظامی شاه خائن چهره ' منفور خود را آشکارا نمایان ساخت و صفحه ' ننگین دیگری بر کتاب جنایات خود افزود .

گارد دانشگاه این ا هزار سرکوب دولت شاه در دانشگاهها چگونه ایجاد شد

افراد گارد ویژه دانشگاه از میان وحشی ترین بی شعورترین و کودن ترین نفرات گارد شهرستانی انتخاب میشوند . گارد شهرستانی خود یک نیروی مخصوص پلیس است که بعد از ترور منصور به منظور حفاظت دولت در شرایط اضطراری ایجاد شد . این گارد همچنین وظیفه فرونشاندن اغتشاشات و تظاهرات توده های را در شهرها برعهده گرفت . بمنظور تربیت نیروهای گارد از چندین سال پیش تعداد محدودی از زبده ترین و ورزیده ترین افسران

فارغ التحصیل دانشگاه پلیس بخارج از کشور اعزام شدند تا پس از دیدن دوره های پلیسی مخصوص به ایران بازگردند و آموزش افراد را بعهده بگیرند که سروان نوروزی افسر معدوم یکی از این افراد گارد شهرستانی بود که مدتها در ژاپن و آمریکا دوره دیده و در فنون پلیسی مهارت یافته بود .

بهر حال با تصویب بودجه فراوان و استفاده از افسران آموزش دیده در کشورهای امپریالیستی افراد گارد شهرستانی تحت تعلیم قرار میگرفتند و نحوه مبارزه با مردم ایران به ایشان آموخته میشد . این آموزشها با اقتباس از تجربیات جهانی امپریالیزم صورت میگرفت و افسرانی مانند سروان نوروزی که دست پرورده امپریالیستها بودند تعالیم ضد مردمی خود را به افراد ساده لوح گارد انتقال میدادند .

معمولا افراد گارد را از میان روستائیان ناآگاه و افراد عقب مانده از لحاظ ذهنی انتخاب میکنند

تا بهتر بتوانند آنها را تحت تعلیم قرار دهند و هر طور که می‌خواهند فکر و عمل آنها را کنترل کرده و — جهت بدهند. ضمناً با پرداخت پول زیاد در حدود ماهی هزار تومان در بند و استخدام و افزایش سرپیچ — حقوق این افراد، آنها را نسبت بدولت وفادار نگه میدارند، شستشوی مغزی و پرداخت پول کافعی و تعلیم مداوم ضد مردمی همراه با عملیات نظامی از افراد گارد یک دسته سگ زنجیری می‌آفریند که از این افراد برای مقابله با دانشجویان استفاده میشود. این است ابزار سرکوب دولت شاه برای مقابله با جنبش دانشجویی میهن ما.

تأثیرات وجودی گارد —
مبارزات دانشجویان ایران

در مهرماه سال ۵۰ هنگامیکه دانشجویان دانشگاه — های کشور به کلاسهای درس رفتند با حضور افراد گارد دانشگاه مواجه شدند این یک مسأله تازه برای دانشجویان محسوب میشود، گروه های مختلف دانشجویی با این مسأله برخورد های متفاوتی داشتند. پیشروترین دانشجویان در مقابل پلیسی شدن غیر قانونی محیط تحصیل شدیداً عکس العمل نشان داده و موضعگیری کردند و بتدریج خود را آماده برخورد جدی و فعال با این مسأله نمودند. عده ای از دانشجویان که آگاهی کمتری داشتند در مقابل بورش پلیس عقب نشینی کردند و وجود پلیس را در کنار کلاسهای درس مانعی برای هر نوع حرکت آزاد یخواهانه تلقی نمودند.

این عده از دانشجویان که هنوز به قدرت متشکله دانشجویان بخوبی واقف نبودند تصور میکردند که دیگر امکان هرگونه عکس العملی از دانشجویان سلب شده است.

با این همه وجود کار در دانشگاهها ضرورت مبارزه بر علیه آنها نیز بوجود میآورد و بتدریج فعالیت دانشجویان برای مبارزه با این زائده پلیسی رژیم در دانشگاه شکل میگرفت.

وجود کار در دانشگاه یک تهدید مداوم برای دانشجویان بود و آزادی آنها را در محیط صنفی شان سلب میکرد و همین امر دانشجویان را حتی برای حفظ منافع صنفیشان به مبارزه با کار میکشاند. از سویی دیگر مبارزه با وجود کار مبارزه با رژیم که کار را -

بوجود آورده است ایجاب میکرد و همین امر به مبارزه صنفی دانشجویان بر علیه کار در دانشگاه یک ماهیت سیاسی میبخشید و از این روی مبارزات

صنفی سیاسی را در دانشگاهها وسعت میداد و در مجموع ادامه مبارزات صنفی - سیاسی به آگاهی سیاسی هرچه بیشتر توده های دانشجویی منجر میشد.

پس از استقرار گارد پلیسی شرایط خشونت باری در محیط دانشگاهها حاکم شده بود که امکان مبارزه و فعالیت را برای دانشجویان محدود میکرد و لسی از آنجا که ضرورت مبارزات دانشجویان یک نیاز تاریخی نیز در جامعه ما محسوب میشد دانشجویان در اشکال دیگری همراه با ارتقاء کیفیت فعالیتهاشان به مبارزه ادامه دادند.

در حقیقت تاءثیر خشونت پلیسی اگرچه از کمیت مبارزات دانشجویی تا حدی کاست اما سبب ارتقاء کیفیت این مبارزات میشد.

از سویی دیگر گسترش مداوم مبارزه مسلحانه در سطح جامعه روی نیروهای دانشجویی مستقیماً اثر میگذاشت و دانشجویان را بضرورت مبارزه و ضرورت

سختکوشی در راه به ثمر رساندن اهداف جنبش نوین رهائی بخش خلق ما واقف میساخت. از آغاز مبارزهٔ مسلحانه تا با امروز ما شاهد رشد کیفی بینظیر در مبارزات نیروهای دانشجویی بوده ایم. مشاهدات عینی ما نشان میدهد که مبارزات دانشجویی علیرغم فضای بسیار خفقان باری که برای دانشجویان ایجاد کرده اند رشد بیسابقه ای یافته است بطوریکه مبارزات دانشجویی هر روز بیشتر سیاسی میشود و از محدودهٔ فعالیتهای صنفی و صنفی - سیاسی خارج شده و بعرصه مبارزات صرفا سیاسی و انقلابی کشیده میشود.

این امر یک نقطهٔ عطف اساسی در تاریخ مبارزات دانشجویان میهن ما بحساب میآید.

سیاست تهدید و ارعاب دولت شاه
در رابطه با مبارزات دانشجویی

همانطور که گفته شد بدنبال اوجگیری مبارزات دانشجویان تحت تأثیر رستاخیز سیاهکن دولت شاه دست باقدا ماتی برای محدود کردن فعالیتتهای دانشجویی زد. پیاده کردن سیستم کار دانشجویان در دستگاه دستگیریهای وسیع، محکوم کردن و بزند ان کشیدن دانشجویان مبارز در ادکاههای نظامی، اعمال شکنجه های بدنی و روانی، بازخواست و بازجوئی از دانشجویان آزاد شده، به سربازی فرستادن دانشجویان همگی جزئی از سیاست تهدید و ارعاب رژیم بر علیه مبارزات ترقیخواهانه دانشجویان میهن ما محسوب میشود. این سیاست امروزه نتایج خود را در تغییر کیفی مبارزات دانشجویی بخشیده است.

دانشجویان به این ترتیب ماهیت رژیم را بخوبی تجربه میکنند و بیش از پیش به ضرورت مبارزهٔ مسلحانه

و حقانیت آن معتقد میشوند و از سوی دیگر دولت شاه و دستگاههای پلیسی آن نیز متوجه شده اند که شیوه های تهدید و ارباب قادر به خاموش کردن مبارزان باحق دانشجویان آگاه ما نمی باشد .

سیاست تطمیع و تحمیق دولت شاه
در رابطه با مبارزات دانشجویی

در شرایطی که تمام شیوه های خشونت آمیز پلیسی از طرف دولت به محک آزمایش گذاشته شده و نتیجه مطلوب نداده بود، دولت شاه از در دیگری وارد شد و برنامه های جدیدی را طرحریزی کرد .
کارشناسان کنترل اجتماعی دولت توصیه کردند که باید دانشجویان را از لحاظ مادی ارضاء کرد تا دیگر بفرکر مبارزه و مقابله با دولت شاه نیفتند و با استفاده از امکاناتی که در اختیارشان گذاشته میشود به بیك زندگی نیمه مرفه پرداخته و غرق در تفریحات مبتذل

بشوند و گرایشات حق طلبانه خود را فراموش کنند و از دفاع از منافع خلقهای محروم کشور خود دست برداشته و به نوکری و خدمت بامپریالیسم و دست نشاندهگان ایرانیان راضی وقانع شوند .

بر اساس این تحلیل فریبکارانه صد ها میلیون تومان بودجه از طرف دولت به منظور اجرای طرح تطمیع دانشجویان اختصاص یافت .

طرح تطمیع بر اساس پرداخت مبالغ قابل ملاحظه های پول بلاعوض به دانشجویان تحت عناوین مختلف از قبیل، وام مسکن، وام بنیاد پهلوی و وام دولتی و حقوق کارآموزی و میباشند .

حتی در تابستان ۵۳ دانشجویان را بطور اجباری وادار به کارآموزی در مؤسسات دولتی و خصوصی کردند که به ازای هرماه کارآموزی هزار - تومان به دانشجویان میدادند .

این عمل گذشته از تطمیع دانشجویان، وارد کردن

آنها در امور دولتی محسوب میشد تا باین وسیله قبل از آنکه عملاً پس از فارغ التحصیل شدن به مشاغل پردرآمد برسند طعم مزایا و امتیازاتی را که رژیم سرمایه داری وابسته بخارجی در اختیارشان میگذاشتند و از مبارزه و مقابله با رژیم دست بردارند.

رژیم بخوبی از هدف تاسیس دانشگاهها و مؤسسات عالی مطلع است آنها در دانشگاهها کارهای فنی و اداری برای مدیریت صنایع وابسته به امپریالیزم را تربیت میکنند.

دانشجویان فعلی مدیران صنایع وابسته کشور در آینده خواهند بود و از این روی باید از لحاظ فرهنگی و فکری نیز معتقد به ایدئولوژی سرمایه داری وابسته به بیگانه بشوند و این مقدر نیست مگر آنکه از دوران تحصیل افراد را آماده پذیرش بندگی سرمایه جهانی بنمایند. بهمین لحاظ از طرفی بدانشجویان پول میدهند و از طرف دیگر وسایل تفریحات مبتذل

را در اختیار آنها میگذازند و شرایط انحطاط اخلاقی و فرهنگی آنها را فراهم میسازند. به این ترتیب میکوشند دانشجویان را از توده های مردم میهن خود جدا کنند و آنها را به صورت آلت فعل بی اراده و مسخ شده ای در خدمات امپریالیزم جهانی در آورند. آنها میکوشند دانشجویان را برای اجرای نقش واسطگی در بهره کشی از توده های میهن خودشان تربیت و آماده نمایند و این نهایت بیشرمی و وقاحت نوکران سرمایه داری جهانی را بخوبی نشان میدهد. برای امپریالیستها استثمار توده ها و غارت منابع میهن ما هدف نهایی بحساب میآید. آنها برای رسیدن به منافع و سود بیشتر به هر شیوه ای دست میزنند و از هر وسیله ممکن استفاده میکنند. ولیکن دانشجویان مبارز ایران علیرغم این سیاستهای فریبکارانه دستاز مبارزه نکشیده و عملاً با گسترش مبارزات خود این سیاست دولت را نیز نقش بر آب ساخته اند. بطوریکه در ماههای اخیر

شاعر بوده ابر عوامل رژیم از شکست سیاست تطمیعی سخن میگویند و روزنامه های جیره خوار رژیم نوشتند که "باج دانشجویی" را قطع کنید این نشان میدهد که پولهایی که دولت به دانشجویان میداده نوعی باج تلقی میشود و به منظور تطمیعی و آرام نگه داشتن دانشجویان پرداخت میشود است و به این ترتیب این توطئه رژیم نیز با شکستی بزرگ مواجه شد.

دشمن نمیداند که دانشجویان ایرانی به این خاطر به دانشگاه میروند که در محیطی سالم و بدون از اغواگری های نوکران امپریالیسم به تحصیل علم بپردازند و خود را برای خدمت به خلق خویش آماده سازند دانشجویان ایرانی بنا بر وظیفه میهنی خود خواهان برقراری مناسبات عادلانه اجتماعی هستند آنها میخواهند میهنی آزاد و آباد داشته باشند و در راه ایجاد آن حاضر به هرگونه فداکاری هستند ولیکن دشمن از آنها میخواهد که بخلق خود پشت

کنند و ثروتهای ایران را بجزیب سرمایه داری جهانی سرازیر کنند طبیعی است که این خواست دشمن با تمایلات دانشجویان شدیداً فرق دارد و با آن در تعارضی است. دانشجویان ایرانی عمدتاً خواهان برقراری مناسبات سوسیالیستی در پهنه میهن خود هستند و خود را برای خدمت در یک جامعه سوسیالیستی آماده میکنند و همچنین بسیارند دانشجویانی که با شرکت عملی خود در انقلاب رهائی بخش ایران حاضرند جان خود را در راه نجات هموطنانشان از چنگال دشمنان خلق فدا سازند. دانشجویان آگاه و مبارز ایران در جریان فعالیتهای خود بعد از رستاخیز سیاهگل علماً نشان داده اند که خواهان شرکت فعال در مبارزات سیاسی و انقلابی هستند، مبارزات سیاسی چه در سطح عمومی و علمی و چه در سطح مبارزات حرفه ای و مخفی در میان دانشجویان وسعت گرفته است در چند سال اخیر

مسلحانه، خلق در چند سال اخیر اوج کم سابقه‌ای یافت
 در تمام سالهای پس از رستاخیز سیاهگل در دانشگاه
 های سراسر کشور گروههای کوچک دانشجویی دسته
 فعالیتهای تبلیغی زدند و با تکثیر و پخش اسناد
 جنبش مسلحانه ایران به انقلاب یاری رسانیدند، در
 همین سالها تظاهرات و اعتصابات صنفی همیشه با
 شعارهایی بطرفداری از جنبش مسلحانه همراه بوده
 است.

در سال ۵۳ همراه با گسترش عملیات واحد های
 چریکی بویژه عملیاتی که در رابطه با توده ای کردن
 مبارزه مسلحانه صورت گرفت دانشجویان تاکتیکنای
 جدیدی را به تجربه گذاشتند، یکی از سودمندترین
 و جالبترین تاکتیکنای دانشجویان مبارز ایران که
 تاثيرات بسیار خوبی داشته است تاکتیک تظاهرات
 کوتاه مدت موضعی که در رابطه با حمایت از جنبش
 مسلحانه در مناطق جنوبی شهر تهران بکار گرفته

میشد .

در جریان این تظاهرات واحدهای . ع . الی . ه . نفری دانشجویی که طبق برنامه قبلی به محل موعود آمده بودند بناگهان گردهم آمده و با دادن شعار - هائی در معرفی و تاءئید جنبش مسلحانه و ارتباط این جنبش با توده های خلق ، مردم را آگاه میکردند و پس از چند دقیقه ادامه کار قبل از آنکه پلیس ضد اغتشاش به محل تظاهرات برسد متفرق میشوند .

نظایر چنین تظاهراتی در میدان گمرک ، خیابان مولوی ، خیابان خیام ، خیابان سیروس انجام گرفت که با موفقیت توأم بود . در جریان یکی از این تظاهرات رفیق دانشجوی مبارز " حمید خلیلی " با ماءموران دشمن درگیر شد و ناجوانمردانه بقتل رسید . ولی با اینهمه این حادثه نه تنها دانشجویان مبارز را از ادامه راه باز نداشت بلکه آنها را به تعقیب و پیگیری راه انقلاب همان راهی که رفیقشان حمید خلیلی در

جریان آن بشهادت رسید و داشت .

نمونه برجسته تظاهرات موضعی که شانه بران مبارزه بمیان توده ها توسط دانشجویان انقلابیست تظاهرات موضعی در جلوی کارخانجات ر خانیات تهران است . در جریان این تظاهرات دانشجویان مبارز در هنگام تعطیل کارخانه وارد صفوف کارگران شدند و بلافاصله پلاکارتهای خود را بهمراه شعارهائی در معرفی و تاءئید جنبش نوین خلق بالا بردند و با دادن شعاهائی بنفع کارگران توجه شدید کارگران را بخود معطوف داشتند بطوریکه عده ای از کارگران که از قبل هیچگونه اطلاعی از برنامه تظاهرات نداشتند در تظاهرات شرکت کرده و بهمراه دانشجویان شعار دادند .

نمونه بسیار جالب توجه دیگر از تظاهرات موضعی خیابانی تظاهراتی بود که بدعوت سازمان ما توسط دانشجویان دانشگاههای تهران در خیابان هاشمی

تهران برگزار شد .

جریان امر بدین شکل بود که در تاریخ ۱۷ - فروردین رفیق "محمد معصوم خانی" دانشجوی دانشگاه صنعتی از رفقای تحت آموزش سازمان ما در خیابان دستگیر شد و بدنبال آن رژیم برای پوشاندن ضربه پذیری خود بدروغ اعلام داشت که قاتل سروان نوروزی خائن را دستگیر کرده است و بهر حال با طرح توطئه‌ای تبلیغاتی کوشش کرد روحیه دانشجویان مبارز را تضعیف کرده و به ماءموران و کارهای امنیتی خودش روحیه بدهد . ولی بلافاصله در روز بعد اطلاعیه توضیحی سازمان ما در سطح دانشگاهها و همچنین در سطح شهر شروع به توزیع گردید و همگان باماهیت توطئه شاهخائن آشنا شدند .

در این اطلاعیه از دانشجویان مبارز دانشگاهها درخواست شد بود که بخاطر افتخار توطئه رژیم

و دفاع از رفیق مبارزشان دست به عملیات تظاهراتی و افشاگری بزنند، بدنبال این درخواست دانشجویان دانشگاههای تهران در میدان سپاه دانش واقعه در خیابان هاشمی تهران در روز چهارشنبه ۲۷ - فروردین دست به تظاهرات موضعی زدند و همراه با افشاگری توطئه شاه شعارهایی در جهت منافع توده های فقیر شهر دادند این تظاهرات بقدری با استقبال اهالی جنوبی شهر مواجه شد که گردانندگان تظاهرات زمان آنرا از ده دقیقه به ۲۰ دقیقه افزایش دادند و عملاً قبل از آنکه منطقه در محاصره گارد ضد اغتشاش قرار بگیرد متفرق شده و منطقه را ترک کردند .

تاکتیک تظاهرات موضعی در خیابانهای شهر در معرفی جنبش مسلحانه به توده ها و آشنائی توده ها - ها به اهداف سازمان چریکی نقش بسیار زیادی ایفا کرده است . این تاکتیک از ابداعات دانشجویان

صفوف مقدم انقلاب خلق قرار داشته باشند، ولی این بشرطی است که جریان اصلی انقلابی جامعه را بشناسند و بآن پیوندند. روشنفکران انقلابی نه با خواسته‌های محدود و پراکنده طبقاتی خود قادر به انقلاب هستند و نه با نیروی محدود خویش. بدین جهت جنبش‌های روشنفکری اگر کوششی پیگیر در جهت شناخت واقعیت‌های عینی جامعه نکنند و به یک موضعگیری درست در مقابل آن دست‌نزنند، در مرحله‌ای از رشد خود دچار درجا زدن خواهند شد.

بنابراین، دانشجویان آگاه و مبارز دانشگاه‌های ایران باید بکوشند که جنبش‌های دانشجویی را بسوی هدف هدایت‌کنند: یکی اینکه این جنبش‌ها را بوسیله‌ای برای رشد آگاهی دانشجویان و تربیت ایدئولوژیک و سازمانی آنان تبدیل کنند، بطوریکه این جنبش‌ها به کلاس‌تهیه‌ای برای کادرهای انقلاب میهن‌ما تبدیل شود. دوم اینکه سعی کنند جنبش‌های

دانشجویی، از نظر تبلیغات توده‌ای بازده هرچه بیشتری داشته باشند و درصد ارتباط و پیوند با سایر جنبش‌های خلق برآید. برای رسیدن به این مقصود دانشجویان آگاه و پیشرو باید پیش از هر چیز خود متشکل شوند و به یک سازماندهی مخفی متناسب با شرایط موجود دست‌بزنند تا بتوانند توده‌های دانشجویی را رهبری کنند. اما این سازماندهی مخفی چگونه باید باشد؟

هسته‌های مخفی

سازمان ما با توجه به تجاری که از مبارزه سخت و خونین خود با پلیس سیاسی و از ارتباط‌گیری‌های توده‌ای دارد، به دانشجویان آگاه و پیشرو توصیه می‌کند که بهترین شکل سازماندهی مخفی برای آنان در شرایط کنونی، ایجاد هسته‌های کوچک سازمانی مخفی است. پیشروترین و با تجربه‌ترین افراد در محیط‌های

دانشجویی باید در تشکیل هسته ها پیشقدم شوند. این افراد باید با دوالی سه تن از مطمئن ترین کسانی که میشناسند و به صداقت آنها در امر مبارزه پی برده اند و این امر را عملاً آزموده اند، هسته سازمان مخفی ای تشکیل دهند. در این هسته باید بعلاوه شرایط خفقتانی خاص جامعه، نوعی انضباط شبه نظامی برقرار شود، بدین ترتیب که در بدو تشکیل هسته باید رفقای تشکیل دهنده آن، با تجربه ترین و قابل ترین فرد را از میان خودشان بعنوان مسئول برگزینند تا در مواقع اضطراری که شور طولانی جمعی ممکن نیست، این رفیق مسئول بتواند تصمیم گیری کند و تصمیمات او بوسیله بقیه رفقا بمرور اجرا در آید. در صورتیکه چنین کاری نشود، یعنی رفیق مسئول انتخاب نگردد یا در مواقع اضطراری که در جریان مبارزه، زیاد پیش میآید، دستورهای او دقیقاً اجرا نشود، هرج و مرج در کار ایجاد خواهد شد و از

سوئی به جریان مبارزه لطمه میخورد و از سوی دیگر خطرات امنیتی، هسته را تهدید مینماید. البته رفیق مسئول، در باره تصمیم های اضطراری خود، بعداً باید توضیح کافی به رفقا بدهد. در موارد غیر اضطراری هم باید اصل "تصمیم گیری جمعی و مسئولیت فردی" دقیقاً رعایت شود، یعنی ابتدا پس از بحث لازم روی مسأله، تصمیم گیری شود، سپس وظایف تقسیم گردد، آنگاه هر کس در قبال وظیفه ای که به او سپرده میشود، شخصا مسئول باشد و موظف بانجام آن گردد.

رفقای هسته دانشجویی باید هر هفته جلسه انتقاد و انتقاد از خود تشکیل دهند و باید در انتقادی، فعالیتها و حرکات جمعی و فردی خودشان را مورد بررسی قرار دهند و شیوه های کار خود را اصلاح کنند.

هسته دانشجویی باید برنامه های کلی و جزئی

بلند مدت و کوتاه مدت برای فعالیتهای خود تنظیم کند. باید سعی شود که این برنامه ها دقیقاً اجراء گردد و فقط با دلایل قابل قبول تعویض شود.

یک هسته دانشجوئی باید اصول پنهانکاری را دقیقاً رعایت کند، بدین جهت باید رفقای هسته یک سلسله از روشهای حفاظت امنیتی را بیاموزند. پاره‌ای از این روشها، همان هائی هستند که سازمانهای انقلابی نظامی ملزم بر رعایت آنها هستند، بدین جهت است که میگوئیم هسته‌های دانشجوئی باید یک انضباط شبه نظامی را در میان افراد خود برقرار نمایند. افراد یک هسته دانشجوئی چون علنی هستند و بیشتر در محیط‌های علنی فعالیت میکنند همواره در معرض شناسائی عوامل جاسوس دشمن قرار دارند بنابراین باید اصول پنهانکاری را دقیقاً رعایت نمایند و از هر گونه خطائی در این مورد، خودداری کنند تا احتمال آسیب پذیری را حداقل کاهش دهند. رفقای

دانشجو باید بدانند که دشمن برای کنترل مبارزات دانشجوئی روشهای خاص دارد. یکی از این روشها شناسائی اکیپهای دانشجوئی و مشخص کردن این اکیپهاست. معمولاً در محیطهای تحصیلی، هر چند نفر دانشجو بر اثر ویژگیهای مشترکی که دارند بدور هم جمع میشوند و با هم روابط نزدیکی برقرار میسازند. انگیزه‌های این تجمع‌های کوچک میتواند همبستگی در امور درسی، ورزشی، سیاسی و غیره باشد. عوامل جاسوسی دشمن میکوشند که با شناسائی این اکیپها، سرخی از یک فعالیت سیاسی مخفی بدست آورند. بدین جهت افراد هسته دانشجوئی باید در محیط تحصیل ارتباط نزدیک با هم نگیرند و طوری رفتار کنند که روابط آنها از دید جاسوسان دشمن مخفی بماند این یکی از اصول مهم حفاظت امنیتی برای هسته‌های دانشجوئی است.

چنانکه گفتیم تعداد افراد یک هسته دانشجوئی

نباید از سه الی چهار نفر تجاوز کند، مگر در صورتیکه هسته تجربه و پختگی کافی پیدا کند و بتواند در کنار خود هسته های دیگری با کمک هر یک از رفقای اصلی ایجاد نماید که در این صورت هم افراد هسته ها نباید همگی یکدیگر را بشناسند.

برنامه هسته باید بر اساس امکانات و توانائی آن هسته تنظیم گردد. این برنامه دارای سه قسمت عمده باید باشد:

الف. خود سازی نظری

ب. خود سازی عملی

پ. مبارزات هسته ها

اکنون ما هر سه قسمت یاد شده را یک به یک

مفصلاً شرح میدهیم:

الف. خود سازی نظری

خود سازی نظری، خود از دو طریق ممکن است:

یکی مطالعه نظری و دیگری مطالعه عینی در جامعه.

مطالعه زیربنائی رفقای دانشجو باید اساساً در سه زمینه ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیاکتیک و اقتصاد سیاسی مارکسیستی باشد. در زمینه ماتریالیسم تاریخی خوشبختانه کتابهای علنی زیادی وجود دارد که رفقای دانشجو باید حد اکثر استفاده را از آنها بنمایند.

این کتابها عمدتاً عبارتند از: کتابهای تاریخ عمومی و تاریخ ایران اثر دانشمندان شوروی که بفرسی ترجمه شده است و تقریباً به فراوانی در دسترس همه هست

یا آثار متفرقه دیگری مانند چند کتاب از گوردون چایلر که بفرسی ترجمه شده است و غیره. البته این کتابها

به این دلیل امکان انتشار علنی یافته اند که مستقیماً

به مسائل روز ارتباط پیدا نمیکنند. اما باید بیاد

داشت که خواندن آنها برای رفقای مبارز لازم است

زیرا اصول کلی جامعه شناسی مارکسیستی را به آنها

میآموزد و ذهن آنها را برای تجزیه و تحلیل مسائل

اجتماعی روز قدرت و توانائی میبخشد. برخی از کتابهای

یاد شده خیلی تخصصی است ولی برخی دیگر جنبه عام دارند و حتی بعضی از آنها آموزشی و ساده هستند که رفقا خود میتوانند به فراخور موقعیت از آنها استفاده کنند. در زمینه ماتریالیزم دیاالکتیک و اقتصاد سیاسی مارکسیستی، البته کتاب علنی خیلی کمتر است ولی باز بندرت یافت میشود و این کتابها میتوانند تا حدود زیادی نیازهای رفقا را برطرف نمایند. رفقای دانشجو باید قبل از هرچیز پایه مطالعاتی خود را در این سه زمینه که در واقع اساس مارکسیسم است مستحکم نمایند. پس از این، آنها قادر خواهند بود از نوشته های علنی مختلفی که در باره جنبشهای خلقهای جهان و نیز مسائل مختلف جامعه ایران وجود دارد و با دیدهای کمابیش مترقی نوشته شده است استفاده کنند. برخی از این کتابها البته دارای انحرافات هستند ولی داشتن یک مطالعه زیربنایی در سه زمینه یاد شده میتواند استفاده

مطلوب از آنها را ممکن سازد. لازم به یادآوری است که باید بین اینگونه کتابها و نوشته های مشخصا در مارکسیستی مبلغان بورژوازی فرق گذاشت. مجلاتی مانند جهان نو، اندیشه و هنر، فردوسی و غیره وسائل هستند برای ایجاد آشنایی در ذهن مردم که بوسیله مزدوران کثیف و جیره خوار بورژوازی ایجاد شده اند. رفقای دانشجو باید ماهیت مجلات یاد شده و کتابهایی را که از خط مشی آنها پیروی میکنند خود بشناسند و به دیگران هم بشناسانند. اینها در حالی که لباس یک مصلح غمخوار و یک پدر بزرگ دلسوز مارکسیزم را می پوشند و ادعا دارند که خود مارکسیستند و بقول خودشان فقط میخواهند "نقائص" آنرا برطرف کنند، آنچه را در مارکسیسم که جنبه آکادمیک دارد به عنوان یک موضوع برای بحث بی حاصل، با تحریفات خاص خودشان مطرح میسازند و در اطراف آن دراز - گویی های سفسطه آمیز میکنند و ضمن سجده دروغین

به مارکسیسم تقریباً چیزی از آنرا بعنوان يك اصل درستو برای راهنمای عمل نمی پذیرند . اینها در لفظ از مارکس و انگلس تجلیل میکنند ولی تمام دست - آوردهای مارکسیسم را مورد تسخر و فحاشی قرار میدهند . دانشجویان آگاه و مبارز نه تنها نباید خود را با این ارتجاع زینت شده سرگرم کنند ، بلکه باید با آن تا میتوانند مبارزه کنند . این مبارزات اشکال گوناگونی میتواند داشته باشد که انتخاب آنها بستگی به ابتکار خود دانشجویان خواهد داشت . البته استفاده از کتابهای علنی در صورتی است که امکان دست یابی به کتابهای مخفی وجود نداشته باشد . اگر رفاقتوانند به کتابهای مخفی دسترسی پیدا کنند ، کار آنها آسانتر خواهد شد و امکان صرفه جوئی در وقت خود خواهند داشت . با اینحال برخی از کتابهای علنی هستند که در صورت در دسترس بودن کتابهای مخفی ، باز هم از لزوم

و اهمیت مطالعه آنها گاسته نمیشود . دانشجویانی که در رشته های علوم اجتماعی و بی - علوم انسانی بطور کلی مطالعه میکنند ، اغلب مورد هجوم تبلیغات آثار ضد مارکسیستی مبلغان بورژوازی قرار دارند که بعنوان کتابهای درسی به آنها عرضه میشود و بوسیله مثنی استادان مزدور که یانوکری گوش فرمان هستند و یا انسانهایی مسخ شده به آنان تدریس میگردد . برخی از این آثار ادعای طرفداری از مارکسیسم را دارند ولی در واقع عمیقاً ضد مارکسیستی هستند . نوعی از " مارکسیسم " هم در دانشگاههای کشورهای پیشرفته سرمایه داری وجود دارد که در ظاهر به تجلیل بی حساب از مارکس و انگلس و ارائیه تصویرهای پیامبر گونه از آنان می پردازد ولی محتوای آن ، مسخ و تحریف مارکسیسم و ایجاد پیشداوریهای نادرست در باره آن در ذهن دانشجویان است . این مارکسیسم دروغین بوسیله کسانی مانند دکتر عنایت

احمد اشرف، دکتر پاکدامن، دکتر خنجی و غیره وارد دانشگاههای ایران نیز شده است .
 دانشجویان آگاه باید اولاً برای ایجاد مصونیت در خود در برابر این بدآموزیها وسیعاً مطالعه کنند و ما باید با ایجاد بحثهای منطقی واقناع کننده، نه عصبی، در سر کلاس، ذهن سایر دانشجویان را در مقابل اینگونه بدآموزیهای استادان مقاوم سازند .
 اگر دانشجویان آگاه بطور منطقی با این مسأله برخورد کنند، بخوبی قادرند که بیسوادی و بی مایگی این استادان را برای رفقای خود روشن سازند . البته در صورتیکه مسأله خیلی حاد باشد و ایجاد بحث در سر کلاس سبب شناخته شدن رفقا برای ماء موران ساواک گردد، بهتر است اینکار از طریق نوشتن جزوه هایی راجع به بدآموزیهای استاد و پخش آن به صورت های غیر مستقیم در بین دانشجویان انجام دهند

و بدین وسیله هم ذهن رفقای خود را روشن سازند هم تمرینی برای پرورش آید ثلوثی خود بکنند .
 نکته دیگری که در این قسمت باید تذکر بدهییم این است که مطالعه کتابهای توصیه شده به صورت جمعی کمال مطلوب است ولی از آنجائیکه امکان جمع شدن رفقا در یک جا کم و محدود است و حتی در هفته از چند ساعت ممکن است تجاوز نکند بنابراین بهتر است تا آنجا که امکان دارد بطور جمعی مطالعه کنند و در آنجا هم که ممکن نیست بطور فردی مطالعه کنند و اشکالات خود را به بحث جمعی بگذارند .
 رویهم رفته مطالعه کتابی منظم و برنامه ای برای مبارزاتی که میخواهند در انقلاب مردم وطن خود شرکت کنند و حتی در شمار پیشگامان این انقلاب باشند لازم و حیاتی است اما بهیچوجه کافی نیست رفقا باید به مطالعه عینی جامعه نیز دست بزنند .
 برای اینکار باید از کوتاهترین فرصت استفاده کنند .

کارگری کردن در تعطیلات تابستانی دانشگاه در شهر و روستا، بهترین وسیله تحقیق در شرایط عینی جامعه است. طبعاً کارگری کردن در درجات مختلف از کارگر ساده گرفته تا کارگر متخصص و سرکارگر مفید است ولی اگر کارگری ساده برای کسانی که شرایط زندگی مرفه بورژوازی داشته اند، اول بار، دشوار است و آنها نمیتوانند خود را در این کاراکتر توجیه کنند بهتر است ابتدا تخصص‌هایی بیاموزند و سپس به کارگری بروند. اعتراف به این واقعیت عینی هم سودمند است که برای چنین کسانی، تحمل یک شرایط زندگی دشوار بطور یکمرتبه و ناگهانی ممکن است حتی اثر ساقط کننده در روحیه آنها داشته باشد. این دسته از دانشجویان باید بتدریج خود را بسختی عادت دهند.

چنانکه گفتیم کارگری کردن برای تحقیق عینی در شرایط جامعه، کمال مطلوب است ولی میتوان از راههای دیگری هم اینکار را کرد، بقول رفیق مائو

اگر نمیتوانیم گل را از نزدیک ببوئیم بوئیدنش از روی اسب از نبوئیدنش بهتر است. مثلاً میتوان بعنوان کارمند، دفتر دار، مهندس تکمیسین بکارخانه و کارگاه رفت و حتی میتوان از فرصتهای کوتاه برای دیدن شرایط زندگی و کار کارگران استفاده کرد.

برای رفتن بروستا نیز از امکانات مختلفی میتوان استفاده نمود و راجع به زندگی دهقانان در سطوح مختلف مطالعه کرد.

برخی دانشگاهها دانشجویان را برای کارآموزی به کارخانه‌ها و یا جاهائیکه تماس با توده‌ها وجود دارد میفرستند، اینهم البته برای بعضی از دانشجویان فرصت خوبی برای مطالعه عینی میتواند باشد.

خلاصه، هم برای دانشجویان پسر و هم برای دانشجویان - یان دختر امکانات مختلفی برای مطالعه عینی در جامعه وجود دارد که استفاده از این امکانات بستگی به ابتکارات شخصی آنها دارد و اشاره به یک یک آنها در

اینجا ضرورتی ندارد .

البته لازم به یادآوری است که راههای مختلف — ف
پیشنهاد شده از جانب ما دارای درجات مختلف اهمیت
هستند، هرکس میتواند متناسب با درجه رشد و امکانات
خود از این و یا آن راه وارد مطالعه عینی در جامعه شود
طبعاً بازده کار کسیکه از سطوح بالا زندگی کارگران را
می بیند با کار کسیکه مدتها به کارگری در شرایط سخت
می پردازد قابل قیاس نیست ولی آن نیز بسهم —
دارای ارزش است .

مطلبی که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد اینست که رفقای
دانشجو برای گسترش شناخت خود از جامعه و خودسازی
به میان مردم میروند نه برای ارتباط گیری سیاسی —
توده ها . ارتباط گیری سیاسی با کارگران و یا توده ها
بطور کلی، نیاز به برنامه و تدارک دیگری دارد که بای —
در مرحله رشد بیشتر هسته ها انجام پذیرد و ما بعداً
از آن سخن خواهیم گفت .

در ضمن رفقای دانشجو بهتر است تجارب و حاصل ایمن
مطالعات عینی خود را بنویسند و در هر حدی که
برایشان امکان دارد با رعایت اصول پنهان کاری، در —
میان عناصر آگاه و دانشجویان مرفقی دیگر پخش کنند .
رفقای دانشجو باید بکوشند که حتی کوچکترین عناصر —
انقلابی را در ذهن و عمل توده ها بشناسند و تضاد آنها
با فرهنگ تحمیلی ارتجاع و امپریالیسم که اکنون بر زندگی
آنها مسلط است مورد توجه قرار دهند . عناصر رشد یابنده
انقلابی در ذهن و عمل توده ها و فرهنگ تحمیلی نظام
حاکم، دو جنبه متضاد در زندگی اجتماعی توده ها —
است و توجه یکطرفه بهر یک از این دو جنبه متضاد، —
یکجانبه نگری است و یا بخیالپردازی رمانتیک منجر
خواهد شد یا به یأس و واخوردگی سیاسی . مارکس
میگوید : انقلاب فقط از آنرو لازم نیست که تنها —
وسیله سرنگون ساختن طبقه مسلط است بلکه از ایمن
لحاظ هم ضرورت دارد که طبقه انقلابی تنها از راه انقلاب

میتواند خود را از شر تمام کثافات گذشته رها سازد " برای شناخت توده ها و جریان تکامل انقلابی آنها، هیچ چیز باندازه این گفته مارکس نمیتواند ما را راهنمایی کند . بنا به گفته مارکس وجود ترس، نادانی، عقب ماندگی سیاسی، خرافات، فساد اخلاق و بقول خود او "تمام کثافات گذشته" در میان توده ها، در شرایطیکه هنوز آنها مبارزه خود را برای سرنگون ساختن طبقه مسلط - شروع نکرده اند یا هنوز در آغاز این مبارزه هستند کاملاً امری طبیعی است . در جریان مبارزه است که توده ها قدم به قدم خود را تعالی میبخشند و سرانجام چون خلق ویتنام مهر قهرمانی و شکست ناپذیری خود را بر صفحه تاریخ میکوبند . در شرایط کنونی فقط دیدن نطفه هایی از عناصر انقلابی در ذهن و عمل توده ها برای ما کافی است . این نطفه ها در جریان مبارزه های خونین و طولانی رشد میکند و پوسته "ضخیم ترس و جهل و خرافات و عقب ماندگی سیاسی و بقول مارکس "تمام

کثافات گذشته " را پاره میکند و بدور میریزد .
 ب . خود سازی عملی
 همزمان با خود سازی نظری باید بخود سازی عملی نیز پرداخت . لنین آموزگار بزرگ ما ، کسانی را که فقط آگاهی تئوریک را برای يك انقلابی کافی میدانند و لزوم آموختن فنون عملی مبارزه را درك نمیکنند ، مورد سرزنش و تمسخر قرار میدهد و آنرا که "قیام را يك فن" تلقی نمینمایند ، اصلاً مارکسیست نمیدانند . البته فنون مبارزه در شرایط گوناگون فرق میکند . فن دعوت توده ها بقیام ، تعیین موقع قیام و رهبری قیام که مورد نظر لنین است با فن تبلیغ مسلحانه در بین توده ها که مخصوص شرایط ما است تفاوت دارد . اکنون در جامعه ما مارکسیست کسی است که خود را برای مبارزه در شرایط مشخص وطن ما آماده کند . بنا بر این آگاهی در هر سطحی به فلسفه ، جامعه شناسی و اقتصاد مارکسیستی برای مارکسیست بودن بهیچوجه کافی نیست ، باید خود را از نظر عملی

هم برای اجرای وظایفی که مارکسیسم بعهدہ ما میگذارد آماده کرد. برای این منظور هسته های دانشجویی - باید برنامهء دقیق و منظمی برای خود طرح کنند و آنرا با انضباط شدید اجراء نمایند.

معمولا دانشجویان و بطور کلی روشنفکران دارای - برخی خصوصیات لیبرالیستی و اندوید و آلیستی هستند که با یک کار منضبط و مقهدانه در تضاد است. آنان بخاطر سواد و معلوماتی که دارند خود را بسیار دانا و قابل میدانند، در حالیکه باید بدانند که دانائی و قابلیت فقط فقط در عرصه ی مبارزهء عملی و پیکار بدست میآید نه فقط با کتاب خواندن و مطالعه نظری. رفیق مائوتسه در این زمینه میگوید: معمولا کارگران از دانشجویان داناتر هستند. این حرف ظاهرا عجیب بنظر میرسد زیرا کارگران معمولا کم سواد و یا بیسوادند ولی دانشجویان کار و حرفه شان آموختن و یاد گرفتن و دانا شدن است. در صورتیکه باید توجه داشت که

کارگران بخاطر کار عملی از سوئی و ارتباط بیشتر با واقعیات عینی زندگی اجتماعی از سوی دیگر، جهان مادی را به صورت ملموس و عینی تجربه میکنند. در حالیکه دانشجویان بطریق غیر مستقیم، از راه کتاب با بسیاری از جوانب جهان مادی آشنا میشوند و همین امر باعث میشود که دید آنها بطور کلی ذهنی تر از کارگران باشد. دانشجویان نخست برای از بین بردن این نواقص باید هرچه بیشتر قابلیت های عملی خود را بالا ببرند و بکوشند در جمع چند نفری خود^{نظم} مستحکمی برقرار کنند. آنها باید هیچ کاری را بدون برنامه انجام ندهند و بر حرکات یکدیگر کاملا کنترل داشته باشند در هر هفته باید بطور مرتب جلسهء انتقاد و انتقاد از خود تشکیل دهند و ضعفهای خودشان و دیگران را بازگو کرده و راههایی برای از بین بردن آنها پیدا نمایند، همچنین باید برنامه های کار عملی مختلفی هر چند بمقدار محدود برای خود تنظیم کنند. اینکار علاوه بر نتایج پژوهشی که دارد و ما از آن یاد کردیم بروحیه و تفکر آنها

نیز اثر خواهد گذاشت .

رفقای هسته دانشجوئی باید از نظر جسمی خود را تقویت کنند و با ورزش صبگاشی و همچنین با شرکت در برنامه های ورزشی دانشجوئی، هم به ورزش عمومی دانشجویان نظم بخشیده و هم اینکه خودشان را قوی سازند .

رفقای هسته دانشجوئی باید کارهای تکمیلی را نیز خوب بیاموزند و در میان درسهایشان آنهایی را که عملی ترند (در مورد دانشجویان علوم تجربی و دقیقه) بیشتر مورد توجه قرار دهند . آموختن شیمی، الکترونیک، مکانیک عملی، کلهای پزشکی و درمانی و تا حد ممکن جراحی، سایر فنون و مهارت های عملی دیگر از قبیل رانندگی و وسائل نقلیه مختلف، کلهای دستی مثل نجاری، لحیم کاری، برقکاری و غیره بسیار سودمند و مفید است . رفقا باید بکوشند قابلیت های عملی خود را هرچه بیشتر بالا ببرند و برای اینکار از وسائلی که در محیط کارشان

پیدا میشود باید استفاده کنند و با انجام این کارها خود را برای شرکت عملی در انقلاب آماده سازند . فعالیت در هسته دانشجوئی یعنی شرکت در کلاس تهیه انقلاب، در این کلاس تهیه چنانکه گفته شد رفقا باید هم از نظر تئوریک و هم از نظر عملی برای انقلاب آماده شوند .

پ . مبارزات هسته ها

هسته های دانشجوئی باید در داخل و خارج دانشگاه بمبارزات زیر دست بزنند :

۱- شرکت در مبارزات صنفی دانشجویان و تکامل دادن این مبارزات .

۲- کارهای تبلیغی و ترویجی در میان دانشجویان

۳- تظاهرات دانشجوئی در میان خلق

۴- کار تبلیغی و ترویجی در میان مردم

۵- تنبیه ماء موران دشمن در محیط فعالیت -

۶- گسترش هسته های دانشجویی

۷- تشکیل هسته های کارگری- دانشجویی

۱- شرکت در مبارزات صنفی دانشجویان و تکامل دادن آن

دانشجویان پیشرو باید بمنظور ایجاد روحیه اتحاد و اتفاق در میان تمام دانشجویان، ایجاد روحیه مبارزه در آنان و زمینه سازی برای رشد آگاهیشان، در فعالیتهای صنفی بطور فعال شرکت کنند.

برای توده های دانشجویی همیشه مسائلی وجود دارد که بزنگی روزمره آنها مربوط است و میتواند موضوع فعالیتهای صنفی دانشجویی قرار گیرد، مانند مسئله استاد، کتابهای درسی، مسکن، خوراک، مطالعه و تحقیق، کتابخانه امتحانات ورزش، کارهای فوق برنامه، ارتباط دانشجوی با استاد، ارتباط دانشجوی با

اولیای دانشگاه، آزادی مبارزات صنفی و خلاصه هر آنچه که با زندگی دانشجویی ارتباط پیدا میکند توده های دانشجویی خواهان برقراری سیستمهای آموزشی مترقی و روابط دموکراتیک در محیط های دانشجویی هستند. آنها خواستار آنند که خود امور خود را اداره کنند و از گزند ماءموران ریزو درشت دشمن که بصورت پلیس گارد و ماءموران گوناگون پلیس مخفی که در ظاهر مشاغل اداری در دانشگاه را به عهده دارند، در امان باشند ولی این تمایلات و خواستها با منافع و مقاصد مقامات مرتجع دانشگاه که جزئی از هیئت حاکمه ایران هستند در تضاد قرار میگیرد. این مقامات خواهان آنند که از دانشجویان افسردگی مسخ شده بسازند. آنها میکوشند دانشجویان را شستشوی مغزی بدهند و با سموم فرهنگ بورژوازی منحط غرب احساس و اندیشه آنان را آلوده سازند و روحیه میهن پرستی و آرمان خواهی را در آنان نابود نمایند

در چنین شرایطی دانشجویان پیشرو باید با طرح شعارها و برنامه های مناسب، دانشجویان را بر علیه این نقشه های رژیم به اعتراض وادارند و از اجرای مقاصد پلید دشمن در جهت انحراف دانشجویان جلوگیری نمایند. دانشجویان مترقی با شرکت در فعالیتهای صنفی سازماندهی صحیح این فعالیتهای باید در جهت برقراری روابط مترقی و پیشرو در تمام شئون زندگی دانشجویی مبارزه نمایند.

البته باید بیاد داشت که دانشجویان پیشرو باید مبارزات صنفی را یک نقطه شروع برای رشد آگاهی سیاسی دانشجویان بحساب آورند زیرا مبارزات صنفی برای بهتر شدن شرایط تحصیل و زندگی دانشجویی با مقاصد دولت شاه در تضاد قرار میگیرد. دولت شاه میکوشد با تمام وسائل ممکن از رشد آگاهی وتشکل نیروهای دانشجویی جلوگیری

نماید و حتی از فعالیتهای صنفی دانشجویان نیز جلوگیری کند. همین امر باعث میشود که رفته رفته دانشجویان به مسائلی فراتر از مسائل صنفی توجه کنند و بفهمند که تمام بدبختیها و نابسامانیهای زندگی مردم ایران، از وجود دولت پושالی نماینده امپریالیزم و ارتجاع داخلی سرچشمه میگیرد و برای تغییر این وضع باید با این حکومت مبارزه کرد و آنرا سرنگون نمود. همین آگاهی که در رابطه با مبارزات روزمره دانشجویان برای به سازی شرایط تحصیل و زیست از سوئی و آشنائی با مبارزات نوین خلق از سوی دیگر بدست میآید در روند تکاملی خود دانشجویان را بتدریج به آگاهی سیاسی میرساند و سپس به لزوم تشکل سیاسی نزدیک میسازد و این نهایت فایده جنبشهای صنفی است.

کوشش هسته های دانشجویی باید این باشد که جنبشهای صنفی را ارتقاء دهند و هرچه بیشتر

سیاسی کند. هسته های دانشجویی باید در شرایطی که ایجاب کند و یا از طرف نیروهای مسلح خلق از آنها خواسته شود، با برپا کردن اعتصابات و تظاهرات از خواسته های جنبش نوین انقلابی حمایت کنند همچنین آنها باید بکوشند که جنبش دانشجویی را با سایر جنبشهای خلقی پیوند دهند.

۲- کارهای تبلیغی و ترویجی در میان دانشجویان.

یکی از وظایف هسته های دانشجویی اجرای برنامه های تبلیغی و ترویجی در میان دانشجویان است

تبلیغ در رابطه با مسائل زنده روز که بیشتر در ارتباط با زندگی دانشجویان است انجام میگیرد. تبلیغ معمولاً در حول و حوش جنبشهای صنفی است.

بهترین طریقه تبلیغ، نوشتن مطالبی در رابطه با مسائل مورد نظر و تکثیر آن با دست نویس کاربندی و یا پلای کپی دستی است که تهیه امکانات آن آسان است رفقاً باید سعی کنند که در نوشتن مطالب تبلیغی

افراط نشود تا سبب بی اثر شدن آن نگردد، بلکه چنین مطالبی را با توجه به شرایط روز و زمینه پذیرش آن از طرف دانشجویان بنویسند که منجر به عکس العمل مثبت شود. گذشته از این، اقداماتی را از دانشجویان بخواهند که انجام آن برایشان امکان پذیر باشد. شکست یک برنامه تبلیغی از طرف یک هسته دانشجویی باید خیلی تأسف آور تلقی گردد و پس از آن رفقاً باید بنشینند و اشکال کار را بررسی کنند و مشخص نمایند که چرا اشتباه کرده اند تا بدین وسیله شناختشان از شرایط بیشتر شود.

داشتن تحلیل درست از مسائل مربوط به جنبش دانشجویی به اتخاذ ارزشهای صحیح در مبارزات دانشجویی کمک مینماید بعنوان نمونه به مسأله مبارزات دانشجویان دانشگاههای ایران در زمینه "استخدام اجباری قبول شدگان کنکور در ارتش" اشاره میکنیم بطوریکه تمام دانشجویان اطلاع دارند رژیم شاه

بخاطر نظامی کردن محیط دانشگاهها، و همچنین تهیه کار فنی برای ارتش وابسته با مپریالیزم ایران در سال گذشته طرح موزیانه‌ای را در دانشگاههای ایران پیاده کرد.

طرح رژیم باین ترتیب بود که میزان پذیرفته شدگان رسمی کککور هر دانشگاه را کمتر از ظرفیت واقعی دانشگاه مربوطه اعلام میکردند. یعنی اگر دانشگاه ای ۳۰۰ نفر ظرفیت داشت در هنگام اعلام اسامی قبول شدگان، نام ۲۵۰ نفر را بعنوان پذیرفته شدگان در کککور اعلام مینمودند و همراه آن متذکر میشدند که تا ۵ نفر از خیره‌ها را در دانشگاهها خواهند پذیرفت بشرط آنکه این ۵ نفر به خدمت ارتش در آیند و باین ترتیب اوطلبان کککور را که قانونا و بنا به حق طبیعیشان و بنا به ظرفیت دانشگاهها میبایست به تحصیل مشغول میشدند بطور موزیانه و وقیحانه ای بخدمت در ارتش

سیکشانیدند. در سال گذشته رژیم این طرح را بمورد اجرا در آورد و تعداد زیادی از اوطلبان ورود به دانشگاه را به استخدام ارتش در آورد. دانشجویان مبارز و پرشور دانشگاهها که تحلیل درستی از مسأله دانشجویان اجباری و یا دانشجویان تحمیلی نگردیده بودند به منظور مقابله با طرح موزیانه رژیم با این دانشجویانیکه با اجبار و با نیرنگ و بطور غیر قانونی بخدمت ارتش کشیده شده بودند وارد مبارزه شدند و آنها را مورد تهدید و تحقیر قرار دادند و در حالی که دانشجویان مبارز با اتخاذ يك برنامه اصولی به منظور عقیم کردن برنامه رژیم میتوانستند حتی خود این دانشجویان تحمیلی را نسبت به طرح موزیانه و وقیحانه رژیم آگاه کنند و بطور دسته جمعی و دوشادوش این دانشجویان تحمیلی به مبارزه برای احقاق حقوق دسته جمعی دانشجویان بمبارزه بپردازند و حیل و نفاق افکنانه رژیم را نقش بر آب سازند. البته در شرایط

خاص و در مورد بعضی از دانشجویان تحصیلی که در خدمت سازمان امنیت بودند و به تحریک دیگران میپرداختند اعمال شیوه های خشونت آمیز کاملاً درست بود ولی نباید همه با یک چوب رانده میشدند و ترو خشک با هم میسوختند .

بطوریکه شاهد بودیم در اکثر دانشگاه ها دانشجویان بر علیه دانشجویان تحصیلی موضع گیری کردند و این دسته از دانشجویان را منفرد و عاجز نمودند و راهی برای ایشان باقی نگذاشتند، در چنین شرایطی دانشجویان تحصیلی چاره ای جز پیوستن به چند رجاله و بسته بسازمان امنیت داشتند زیرا موجودیت و منافع خود را در تهدید میدیدند رژیم هم از این جریان حد اکثر استفاده را کرد و توسط چند تن انگشت شمار از مأموران خود که در لباس دانشجویان تحصیلی خود را پنهان کرده بودند یک موج جریانات ارتجاعی، هرچند ضعیف و کم

دامنه در دانشگاهها بوجود آوردند که حتی در بعضی از دانشگاهها منجر به زد و خورد میان دانشجویان تحصیلی با دانشجویان گردید . و باین ترتیب نطفه های یک دو دستی را بطور موقت در دانشگاه ها کاشتند سازمان ما در اعلامیه مربوط به اعدام سروان نوروزی مزدور که در دانشگاهها پخش شد در مورد شیوه درست برخورد با این مسأله پیشنهاداتی بدانشجویان ارائه کرد که طی آن توطئه موزیانه رژیم افشاء شد و دانشجویان به حل صحیح تضاد ایجاد شده دعوت شدند .

ما باز هم توصیه میکنیم که دانشجویان پیشرو باید با استفاده از افشای برنامه استخدام اجباری قبولشدگان کنگور در ارتش هرچه بیشتر ماهیت کثیف و ضد ملی رژیم را به دانشجویان بطور اعم و بدانشجویان تحصیلی بطور اخص بشناسانند و حتی با دانشجویان تحصیلی بخاطر شرکت آزادانه و غیر

مشروطشان در دانشگاهها که جزو حقوق پايه سال شده شان میباشد وارد همکاری شوند و بخاطر احقاق حق ایشان مبارزه نمایند برای اجرای برنامه های تبلیغی باید خیلی موقعیت شناس بود و با تحلیل درست و بموقع وارد عمل شد .

اما در مورد ترویج مسا'له فرق میکند . ترویج يك مبارزه زیر بنائی و ایدئولوژیک است و باید برای آن خیلی آرام و با حوصله عمل کرد . رفقا باید از سوئی آثار مربوط به جنبش نوین انقلابی وطن ما یعنی مبارزه مسلحانه را با هر امکاناتی که در دسترس دارند ، حتی با کمک دستنویس کاربنی و یا پلی کپی دستی در محیط های دانشجویی تکثیر و پخش نمایند و اگر خود میتوانند مطالبی در این باره بنویسند و باز به همان صورت تکثیر و پخش نمایند و از سوی دیگر آثار آموزشی زیر بنائی مارکسیستی را در زمینه های فلسفه ، جامعه شناسی (ماتریالیسم تاریخی) و اقتصاد

سیاسی تکثیر و در بین رفقای دانشجوی خود پخش کند . اینها کارهائی عمومی است که در همه جا و همه شرایط باید انجام گیرد . اما در برخی محیط های دانشجویی و در بعضی شرایط علاوه بر این نیاز به مبارزات ایدئولوژیک خاص هم هست مثلاً در شرایطی که يك یا چند استاد فریبکار وجود دارند و با انقلابی نمائی سعی میکنند مطالب ضد علمی و ضد انقلابی را در ذهن سارده توده های دانشجویی فرو کنند و عده های هوادار برای خود بوجود بیاورند و یا میکوشند بینش ایدئالیستی را در محیط دانشجویی رواج دهند و از گسترش جهان بینی علمی در بین دانشجویان جلوگیری کنند و وظیفه مبارزه با آنها بعهد دانشجویان پیشرو است . البته لازم به یاد آوری است که منظور ما مبارزه با پایه تفکر ایدئالیستی بطور کلی است که در تمام افکار و عقاید و نظریات مشخص

اثر میکند. مثلاً زیاد بها دادن به نقش عنصر آگاه در مبارزه ناشی از داشتن پایه تفکر ایدآلیستی است در مقابل کم بها دادن به نقش عنصر آگاه ناشی از پایه تفکر ماتریالیستی مکانیکی یعنی غیر دیالکتیکی است یا قائم به ذات دانستن نقش شخصیت در تاریخ ناشی از پایه تفکر ایدآلیستی است و غیره.

مارکسیستها باید بکشند که با ترویج ایدئولوژی خود، نیروهای بینابینی بویژه روشنفکران خرده بورژوازی را بسوی خواستهای اساسی پرولتاریا و بسوی جهان - بینی پرولتاریای پیشرو، یعنی مارکسیزم - لنینیسم جلب کنند. شرایط عینی جامعه ما یعنی رشد روز افزون پرولتاریا، این عمل مارکسیستها را تسهیل میکند میبینیم که هر روز عده بیشتری از روشنفکران خرده بورژوازی به سوی مارکسیزم میآیند. رفقا باید خیلی دقت کنند و با ایدئولوژیهای گوناگون اکتیویستی (درهم آمیزی) که اغلب در بین روشنفکران جوان بصورت بدعت گرائی و

آوریهای من در آوردی بروز میکند، مبارزه نمایند. رفقا باید بکشند که با فتوای مسئولیت دادن - روشنفکرانه شدیداً مبارزه کنند و در حیطه فعالیت سیاسی خود انضباط ایدئولوژیک بوجود بیاورند. علاوه بر این، رفقا باید با اپورتونیزم چپ و راست از نظر سیاسی و بطور پیگیر مبارزه نمایند. بی عملی اپورتونیستهای راست و دروغگوئی و بلوف زنی اپورتونیست - های چپ را بهمه نشان دهند. مبارزه با توطئه های فرهنگی رژیم نیز لازم است. رژیم میکوشد از طریق رادیو، تلویزیون و جراید بطور سیستماتیک فرهنگ منحط امپریالیستی را در ایران اشاعه دهد. مسلمانان شجویان نیز از این توطئه - رژیم بی نصیب نمیمانند. وظیفه نانشجویان مترقی این است که علاوه بر افشاگری این توطئه ها، بکشند با ایجاد نشریه ها، انجمنها و سخنرانیهای علمی قسمتی از اوقات فراغت دانشجویان را صرف ارتقای

سطح شناخت علمی آنها سازند. در این نشریه ها و انجمنها و سخنرانیها که باید با استفاده از امکانات فعالیت علمی و قانونی در دانشگاه دایر شوند نمیتوان حتی اصلا به مسائل سیاسی پرداخت و فقط با کمک آخرین دست آوردهای علوم طبیعی، علوم دقیق و در صورتیکه امکان داشته باشد علوم اجتماعی، زیربنای بینش علمی را در دانشجویان مستحکم نمود، زیرا که تجزیه و تحلیل مسائل حاد سیاسی از دیدگاه علمی از طریق این وسائل امکان پذیر نیست، بنابراین اصرار زیاد در چنین استفاده ای از آنها یا سبب سازش در اصول میشود و یا سبب محدود شدن واز بین رفتن این امکانات بوسیله پلیس.

میتوان از هنر و ادبیات پیشرو نیز تا حدی که امکان داشته باشد برای مبارزه با فرهنگ مبتذل بورژوازی استفاده کرد. دانشجویان پیشرو باید سعی کنند که توده های دانشجو را نسبت به ابتدال فرهنگ

راديو - تلویزیونی و مطبوعاتی آگاه سازند و حتی پاره ای از برنامه های توطئه آمیز آنها تحریم کنند. در این مورد اقدامات علمی دیگری هم میتوان انجام داد. البته باید گفت که دانشجویان خود اکثر با این فرهنگ امپریالیستی مبارزه میکنند و تاکنون بارها اتفاق افتاده است که با کارگزاران آن بشکست بسیار خشنی برخورد کرده اند.

۳- تظاهرات دانشجویی در میان خلق :

دانشجویان پیشرو باید علاوه بر تظاهرات و اعتصابات که در دانشگاه انجام میگیرند، تظاهراتی نیز در میان مردم و در محل تجمع توده های خلق انجام دهند. هم اکنون خود دانشجویان به این ابتکار دست زده اند و تظاهراتی موضعی و کوتاه مدت در جاهای مختلف شهر بر راه می اندازند، نمونه بسیار موفق این شیوه مبارزه، تظاهراتی بود که در پاسخ به دعوت سازمان ما از طرف دانشجویان

مبارز در خیابان هاشمی (در محلات جنوب غرب تهران) صورت گرفت و از طرف اهالی محل با حمایت روبرو شد . اینگونه تظاهرات باید گسترش بیشتری پیدا کند . در زمینه تشکیل اینگونه تظاهرات باید بر روی کوتاه مدت بودن آن و همچنین با برنامه بودن آن تأکید فراوان داشت . دانشجویان در اینگونه مواقع باید قبلاً منطقه را شناسائی کنند و تمام راههای خروجی از محل تظاهرات را بررسی کرده و حتی روی کاغذ بیاورند، و ظایف را مشخص کنند تا در صورت حملۀ پلیس کمتر ضربه بخورند . البته باید توجه داشت که مبارزه در هر حال تلفات و ضرباتی دارد، تنها وظیفه ما این است که این ضربات و تلفات را به حداقل ممکن کاهش دهیم . اینگونه تظاهرات در بعضی مواقع نیز میتواند با حمایت مسلحانۀ سازمان چریکی صورت بگیرد و این در صورتی است که يك ارتباط ارگانیک میان سازمان و واحد های دانشجویی برقرار شده باشد .

۴- کار تبلیغی و ترویجی در میان مردم :
 مهمترین مبارزه هسته های دانشجویی کار تبلیغی و ترویجی در میان مردم است که در مرحله رشد و با تجربه شدن هسته ها انجام میگیرد . هسته های دانشجویی باید دقیقاً برای این کار برنامه ریزی کنند و با نظم مشخص و با رعایت کامل اصول امنیتی این برنامه را اجرا نمایند . آنها میتوانند بطرق مختلف در میان مردم برنامه های تبلیغی و ترویجی اجرا کنند . نوشتن شعار بر دیوارها، پخش اعلامیه و تراکت تظاهرات و میتینگ های کوتاه در محله های تجمع مردم و تماس با کارگران آگاه و پیشرو شیوه های مختلف این کار است . رفقای دانشجویی باید بیاد داشته باشند که موضوع برنامه های تبلیغی و ترویجی آنها باید مسائلی باشد که برای توده ها قابل فهم است و با زندگی و مبارزات عینی آنها پیوند نزدیک دارد . دادن شعار های کلی و مجرد نمیتواند توده ها را جلب کند . با

توده ها باید قدم بقدم پیشرفت . نخست از منافع نزدیک آنها شروع کرد، آنرا تشریح نمود و بمنافع کلی - تر رسید و بهمین ترتیب پیشرفت تا به شعارهای کلی سیاسی رسید . رفقای دانشجو باید بیش از هر چیز پیوند ارگانیک بین سرمایه داران و حکومت را بیه توده ها نشان دهند و برای آنها روشن سازند که چگونه دستگاه دولت از کوچکترین مأمور تا خود شاه خدمتگزار و اجراء کننده اراده سرمایه داران هستند و چرا باید این حکومت را سرنگون ساخت .

علاوه بر شیوه های یاد شده تبلیغ و ترویج، رفقای دانشجو باید جزوه های آموزشی مختلفی در سطح فهم توده ها بنویسند و یا جزوه هایی که در این باره وجود دارد تکثیر کنند و میان توده ها پخش نمایند . برخی دانشجویان پیشرو خود تا گون بارها دست بهچنین شیوه هایی زده اند، مثلا تکثیر اعلامیه کارگری سازمان چریکهای فدائی خلق بمناسبت اعلام

فاتح خائن، بوسیله گروههایی از دانشجویان آگاه نمونه بسیار جالبی از آن است .
 ه- تنبیه مأموران دشمن در محیط فعالیت مبارزاتی خود :

در هر محیط دانشجویی عده کمی از دانشجویان و عده زیادی از اولیای امور و مستخدمین و اداره کنندگان دانشگاه را مأموران سازمان امنیت تشکیل میدهند . همچنین در هر محیط دانشجویی گارد دانشگاه مشغول فعالیت است . یکی از وظایف هسته های دانشجویی در شرایطی که ایجاد کند، تنبیه این مأموران است، منتهی آنها باید بکوشند که هزینه کمترین، فاسدترین و منفورترین این عوامل رژیم را تنبیه کنند . هسته های دانشجویی میتوانند با کتک زدن و آسیب رساندن به این عناصر روحیه عمومی آنها را پائین بیاورند و از دخالتهای آنها در امور زندگی دانشجویی جلوگیری کنند . حتی در صورت امکان

باید بعضی از این عوامل مزدور را از میان برداشت البته در این موارد معمولاً هسته های دانشجویی تجربه و امکانات کافی ندارند، لذا بهتر است که این افراد را سازمان چریکی معرفی کنند تا کارهای حرفه ای سازمان به مجازات مزدور اقدام کنند. تأثیر عملی مجازات مزدوران سبب رشد آگاهی و تقویت روحیه دانشجویان میشود و باعث گسترش اوج مبارزات دانشجویی میگردد.

۶- گسترش هسته های دانشجویی :

گفتیم که تعداد افراد هسته نباید از ۳ نفر بیشتر باشد. این بدلیل اشکالاتی است که در جریان کار بوجود میآید، هم از نظر از بین رفتن تحرک در فعالیت هسته و هم از نظر مشکلات امنیتی. بنابراین هرگاه رفقای یک هسته به اشخاص صادق و آگاه و فعال جدیدی برخورد کردند، میتوانند یکم یکی از رفقای هسته، شاخه ای برای هسته خود بوجود بیاورند.

منتهی باید بیاد داشت که شناساندن اعضای جدید بهمه رفقا لازم نیست و فقط کافی است یکی از رفقا آنها را بشناسد و با آنها کار کند و مسائل آنها مورد بحث بقیه رفقا قرار بگیرد. معمولاً هر هسته دانشجویی که در حدود ۶ ماه تا یکسال کار منظم کرده باشد و به تجاری رسیدن باشد، قادر است هسته جدیدی تشکیل دهد. در اینجا افراد با تجربه هسته تشکیل دهنده دانشجویی باید مسئولیت هسته های جدید را بعهده بگیرند و با توجه به قابلیتها و تجاری که در عمل بدست آورده اند، افراد تازه را سازمان بدهند و در جهت رشد آنها و ادامه مبارزه کار کنند. گسترش هسته های دانشجویی مرحله جدیدی از مبارزات دانشجویی را بوجود خواهد آورد مسلماً اعضای مبارزترین و بهترین هسته های دانشجویی بکارهای حرفه ای انقلاب تبدیل خواهند شد. این هسته ها در مرحله ای از رشد خود حتماً باید سازمان چریکی بپیوندند و گرنه

ادامه فعالیت مستقل برای آنها دشوار و حتی غیر ممکن خواهد بود. از این جهت هسته های دانشجویی که تصمیم قاطع به ادامه مبارزه دارند باید همواره در جستجوی ارتباط با چریکها باشند. این ارتباط هرچه زودتر حاصل شود بهتر است و رشد افرا در هسته را تسریع میکند، زیرا بسیاری از تجارب عملی را نمیتوان از طریق نوشته و بطور غیر مستقیم منتقل ساخت.

۷- تشکیل هسته های کارگری - دانشجویی :

پیش از این در باره رفتن به میان توده ها بمنظور خود سازی مطالبی گفتیم، اکنون لازم است این مطلب را نیز بگوئیم که هسته های دانشجویی وقتی که به مرحله رشد و پختگی کافی رسیدند و برای تبدیل شدن به انقلابی حرفه ای خود را آماده ساختند، چنانچه هنوز موفق به ارتباط یافتن با سازمان چریکی

نشده باشند، میتوانند مستقلا به منظور ارتباط گیری سیاسی و تشکیل هسته های دانشجویی - کارگری به میان کارگران بروند. ما به موقع خود و بر اساس ضرورت مشخص رشد جنبش و گرایش توده های کارگر به سوی مبارزه، رهنمودهای لازم را برای اینکار خواهیم داد.

لازم به یادآوری است که ممکن است هسته دانشجویی در جریان رشد خود بوسیله پلیس کشف گردد و اعضای آن در صورت نداشتن امکان گریز و مخفی شدن، دستگیر شوند که در این صورت باید مبارزه را در زندان ادامه دهند و دوره زندان خود را به یک دوره خود سازی تبدیل نمایند و بکوشند که از تجارب انقلابیون دیگر تا حد ممکن استفاده نمایند و پس از رهائی از زندان در صد ارتباط گیری برآیند.

سازمان ما پیوسته کوشش میکند که امکانات خود را

برای جذب نیروهائی که بسوی مبارزه مسلحانه روی آورده‌اند، از جمله هسته‌های دانشجویی و کارگری رشد دهد. اکنون برای ما شرایط خاص پیش آمده است و آن این است که گرایش نیروهای آگاه بسوی مبارزه مسلحانه خیلی شدیدتر از آنست که ما قبلاً میتوانستیم پیش بینی کنیم، بدین جهت آمادگی ما برای سازماندهی این نیروها بهیچوجه کافی نیست. ما با تلاش زیاد در حال گسترش امکانات خود برای حل این مهمترین مسأله‌ای هستیم که فعلاً در پیش روی ما قرار دارد. راه پیروزی ما طولانی و پر مشقت است، باید از این حقیقت آگاه باشیم. ولی ما این راه را خواهیم پیمود و در روند یک مبارزه دشوار و طولانی حزب طبقه کارگر و ارتش خلق را بوجود خواهیم آورد. مانیز چون خلق کبیر ویتنام پوزه تمدن ب- ۵۲ را در سرزمین خود بخاک خواهیم مالید. به امید آن روز بزرگ به پیش میرویم و از هیچگونه ناملایمات

مراسم بدل راه نمیدهیم.

رفقای مبارز دانشجوی!

دستهایتان را بهم بدهید و خود را برای پیوستن به توده‌های خلق توانا و آماده سازید. روشنفکران انقلابی، در شرایط جامعه ما، تنها در جریان مبارزه‌ای پیگیر، همه‌جانبه و دارای اشکال متنوع که در حول محور تبلیغ مسلحانه انجام میگیرد، قادرند به توده‌های خلق یعنی آن نیروی عظیمی که میتواند امپریالیسم و ارتجاع داخلی را شکست بدهد، بپیوندند.

"با ایمان به پیروزی راه دشوار
طولانی و خونین مبارزه خلق ما"

"سازمان چریکهای فدائی خلق"

و آزاد یخواهانه را در نطفه خفه میکرد، در شرایط
 خفقان شدید پلیسی حاکم بر فضای کشور ما و در فقدان
 سازمانهای انقلابی در داخل، کفد راسیون با فعالیتهای
 انقلابی و ارزنده، توانست نقش مثبتی در حمایت از
 مبارزات خلق ایران و افشای هرچه بیشتر چهره ننگین
 رژیم پهلوی داشته باشد.

در شرایط کنونی نیز ضروری است که کفد راسیون
 بخاطر پیشبرد هدفهای دمکراتیک خویش کار با توده
 های دانشجویان را بسط دهد و دانشجویان با حفظ
 اعتقادات خود اصل همکاری با یکدیگر را بصورت خلاق
 و صمیمانه حفظ نمایند.

قطعی میدانیم که کفد راسیون که بیش از ۱۲ سال
 سابقه مبارزه متشکل را دارد راه غلبه بر مشکلات و راه
 وحدت را بخوبی آموخته است.

شرایطی که ما و شما در آن زندگی میکنیم، مختلفند
 و اشکال متفاوت مبارزه را ایجاب میکنند ولی همه این

پیام چریکهای فدائی خلق
 به شانزدهمین کنگره کفد راسیون جهانی
 محصلین و دانشجویان ایرانی

رفقا!

درود گرم ما را بپذیرید. خلق ما بخاطر فعالیتهای
 میهنی و جهانی شما در ثبوت این حقیقت که توده های
 خلق ما در هر نقطه که باشند با استفاده از شرایط مشخص
 محل زندگی خود به مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم
 و ارتجاع دستمیبازند، خرسند است. فعالیتهای
 افشاگرانه کفد راسیون همیشه باعث شده که اعمال
 جنایتکارانه رژیم و صدای حق طلبانه خلق ایران در سطح
 جهانی منعکس گردد. بخصوص در شرایط قبلی از
 آغاز مبارزه مسلحانه که دشمن هرگونه فعالیت سیاسی

اشکال ضروری و مکمل هم هستند و به یکدیگر کمک
میرسانند .

کنفدراسیون بعنوان ارگان متحد دانشجویان
مترقی ایران نه تنها رهبری مبارزات دانشجویانی را
دارد که در آن متشکل هستند بلکه بخاطر اینکه
مبارزاتش در سطح دمکراتیک است و امکانات مبارزه
علنی دارد میتواند عناصر سیاسی مختلف را بحمايت از
برنامه هائی که برای دفاع دمکراتیک از جنبش اراء
میدهد ترغیب کند . از این روی به رفقا پیشنهاد میکنیم
که فعالیتهای خود را در کمیته های دفاعی کنفدراسیون
بیش از پیش جدي و خطیر تلقی کرده و از کلیه امکانات
برای پیشبرد برنامه های این کمیته ها استفاده نمایند
رفقا)

شرایط ترور و اختناق در میهن ما بسیار وحشتناک
است، برای کوچکترین حرکت تدارکات طولانی و دشوار
لازم است . ارتجاع ایران بسرگردگی شاه میکوشد

جنبش مسلحانه خلق ما را در نطفه خفه سازد . اکنون
با رشد روز افزون جنبش نوین خود را از سرکوب آن
ناتوان می بیند، سعی میکند با اعمال خشونت کامل
و طرحهای فاشیستی اش روحیه زندانیان مبارز را در هم
شکسته و آنها را از ادامه مبارزه بازدارد . ولی رفقا
کوه دلانه مقاومت و مبارزه میکنند . شما باید همصد
با آنها اعتراض و خواستههای انقلابی آنان را بگوش
همه آزاد یخواهان و مردم جهان برسانید . نقابسی را
که امپریالیستها بر چهره خونخوار شاه زده اند پاره
کنید و او را از نظرگاههای مختلف بشناسانید و از هر
وسیله مناسب و ممکن برای تبلیغات سیاسی و آگاه
کردن آزاد یخواهان به وقایعی که در ایران میگردد
استفاده کنید . هم اکنون رفیق مادر، مادر قهرمان
رفیق شهید " نادر شایگان " که بر اثر شکجه دستهایش
نیمه فلج شده دوران زندان ۱۲ ساله خود را میگردد
و با روحیه ای مقاوم زندانیان را به مقاومت دعوت میکنند

رفیق شیرین معاضد با بدنی سوخته از منقل برقی و چاک خورده از ضربات شلاق کابل همچنان بمقاومت ادامه میدهد. رفیق مجاهد سیمین صالحی در حالی که یک چشم خود را از دست داده و فرزند نارس خود را بد نیا آورده در زندانهای رژیم تحت فشار است اینها که بر شمریم نمونه های کوچکی از جنایات رژیم در حق زندانیان سیاسی است و صدها هم میهن ما روزانه در زیر شکنجه های مزدوران امپریالیسم دچار نقص عضو میشوند و یا جان خود را از دست میدهند. در چنین شرایطی چه کسانی جز دانشجویان و محصلین میهن پرست و مبارز متشکل در کنگره راسیون جهانی امکان دارند که این فجایع را بگوش جهانیان برسانند و پرده از چهره کریه رژیم شاه برکنند و حقایق را افشاء نمایند. ما شما را به ادامه راهی که تاکنون در پیش داشتهاید ترغیب میکنیم و از توطئه هائی که رژیم و عوامل منفور آن علیه شما میکنند ابراز انزجار مینمائیم.

ما به همراه این پیام یک جلد از سلسله تحقیقاتی را که در شرایط عینی جامعه مان انجام داده ایم بشما تقدیم میکنیم. ما در مدت قریب به ۴ سال مبارزه مسلحانه موفقیتهای بزرگی برای سازمان و خلق خود کسب کرده ایم. مبارزه مسلحانه علاوه بر نتایج مستقیم خود توانسته است در شدت و شکل مبارزات دمکراتیک خلق نیز تا شیر فراوان گذارد. سازمان ما نه تنها در مقابل ضربات اولیه مقاومت کرد بلکه توانست رشد و گسترش یابد، به رفع نواقص و مشکلات اولیه بپردازد و حمایت توده های خلق را جلب کند.

امروزه بخوبی درمیابیم که رفقای کثیری که از کل جنبش و از سازمان ما بشهادت رسیده اند و تعداد بیشماری که در زندانهای شاه اسیرند جان و آزادی خود را بیهوده از دست نداده اند. جنبش اکنون رفقای را در بر گرفته است و حمایتی را از خلق مشتمل است که آنها قادر میکند که مبارزات قاطع خود را در همه

اشکال مختلف ضروری قدم بقدم تا پیروزی نهائی
ادامه دهد. در این راه مقدس و افتخار آمیز همه ما
در کنار هم هستیم و با هم حرکت میکنیم و از این روی
است که دست دوستی شما، رفقای مبارز
کنفدراسیون را میفشاریم و خواستار موفقیت کنگره
شانزد هم شما و فعالیتهای ارزنده تان هستیم

"با ایمان به پیروزی راهمان"

"سازمان چریکهای فدائی خلق"

دیمه ۱۳۵۳

در باره عملیات رفیق
"مجید احمدزاده" و جریانات بعدی آن

اعدام سروان نوروزی مزدور که بر طبق خواست و
اراده توده های دانشجوی ایران توسط سازمان ما
صورت گرفت، از جانب تمامی دانشجویان ایران مورد
تأیید کامل قرار گرفت و موجی از حمایت نسبت به این
عمل و نسبت به اهداف و برنامه سازمان ما در دانشگاه
های سراسر ایران بوجود آورد، بطوریکه دانشجویان
مبارز بطرق مختلف حمایت خود را اعلام داشتند. بیشترین
حمایت در دانشگاه صنعتی ظاهر شد، بطوریکه
دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی با تکثیر اعلامیه
صادر شده از طرف سازمان به پخش و نشر مفاهیم
مندرج در آن پرداختند و موج سیاسی نیرومندی بر علیه
رژیم شاه در دانشگاه ایجاد کردند، و همان دانشگاهی

را که رژیم نام "آریامهر" بر آن نهاده است بکانون مبارزه بر علیه آریامهر مزدور و رژیم وابسته اش تبدیل نمودند. دشمن که از موج حمایت وسیع دانشجویان سختپه‌هراس افتاده بود در صدر برآمد که بر علیه مبارزه جوئی دانشجویان که بر اثر عملیات اعدام روبه اوج نهاده بود، ضربه وارد سازد. بهمین مناسبت هنگامیکه یک رفیق دانشجوی تازه به سازمان پیوسته را در جریان حمل و نقل اعلامیه های سازمان دستگیر ساختند با جنجال تبلیغاتی بسیار اعلام نمودند که بواحد عملیاتی که مسئول اعدام سروان - نوروزی مزدور بوده ضربه زده اند. این عمل رژیم نشانه "نهایت عجز و زبونی او در مقابله با چریکها بشمار می‌رود. سازمان ما بلافاصله روز بعد از نشر این خبر در روغ و توطئه آمیز در جراید دولت شاه با انتشار اعلامیه ای به دانشجویان ایران توضیح داد که فریب توطئه دولت شاه را نخورند، و از آنها دعوت کرد که

بامستحکمتر کردن صفوف خود به دفاع از رفیق دستگیر شده شان برخیزند و از اجرای توطئه رژیم جلوگیری نمایند.

دانشجویان مبارز دانشگاههای تهران بویژه دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی به این دعوت سازمان ما پاسخ مثبت دادند و چند روز بعد در خیابانهای غربی تهران و در میان توده های مردم دست به تظاهرات موضعی زدند و به افشاگری رژیم پرداختند و از حق رفیق خود دفاع نمودند. مردم فقیر نواحی غربی نیز به صفوف دانشجویان پیوستند و به همراه آنان بر علیه رژیم دست به تظاهرات زدند و باین ترتیب دانشجویان مشت محکمی بر دهان یاوه گویان رژیم زدند و آنها را رسوا ساختند. همچنین دانشجویان دانشگاه صنعتی با پخش اعلامیه های متعدد حمایت خود را از رفیق مبارزشان محمد معصوم خانی که رژیم بخاطر ضعف و زبونیش قصد قربانی کردن وی را داشت، اعلام

نمودند و بهمین مناسبت يك روز بطور دسته جمعی - دست به اعتصاب غذا زدند، و باین ترتیب یکصد اعتراض شدید خود را نسبت به فتنه‌گریهای رژیم شاه نشان دادند و تصمیم خود را به ادامه راه رفیق مبارزشان اعلام نمودند.

"گسترده باد مبارزات دانشجویان
ایران در حول محور مبارزه
مسلحانه توده‌های"

زندگی انقلابی رفیق
مجید احمدزاده

رفیق "مجید احمدزاده" دانشجوی رشته برق دانشگاه صنعتی، در زمرة اولین دانشجویانی بود که به جنبش مسلحانه ایران پیوست. او سالها پیش از آنکه در لباس يك انقلابی حرفه‌ای به مبارزه بپردازد در يك گروه سیاسی مارکسیستی عضویت داشت. رفیق مجید در این گروه با مقاهیم انقلابی مارکسیسم - لنینیسم خلاق آشنائی پیدا کرد و از لحاظ ذهنی خود را آماده شرکت در انقلاب نمود. رفیق "مجید احمدزاده" يك کمونیست راستین وجدی بود، او به مارکسیسم - لنینیسم خلاق آشنائی داشت و صادقانه به آن عمل میکرد و سرآخر نیز جان خود را در راه آرمان ظفر نمونش فدا کرد. رفیق "مجید احمدزاده" در سال ۱۳۵۰ زندگی مخفی خود را بمثابة يك انقلابی حرفه‌ای در يك واحد مسلح برهبری برادر انقلابیش رفیق کبیر مسعود احمدزاده

آغاز کرد او در واحد مسلح نقش معاون مسئول را داشت و وظایف سازمانی خود را به بهترین وجه و با صداقت کامل انجام میداد. رفیق مجید در عملیات حمله به کلانتری قلهک و مصادرهٔ مسلسل نگهبان کلانتری شرکت کرد. او در نقش رانندهٔ اتومبیل واحد عملیاتی وظیفهٔ خود را بخوبی ایفا نمود و عملیات را با موفقیت به پایان رسانید.

رفیق مجید احمدزاده در تابستان سال ۵۰ پس از دستگیری برادر انقلابیش برای مدتی کوتاه در مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق عضویت یافت ولی پیش از آنکه بتواند خدماتش را در موضع جدید کامل نماید با پلیس درگیر شد. و پس از مجروح شدن به اسارت دشمن درآمد. رفیق "مجید" در اولین لحظات دستگیری شجاعانه دست بعمل فدائی زد و با آخرین نیروئی که در بدن مجروحش وجود داشت نارنجک خود را بیرون کشید و ضامن آنرا آزاد ساخت و همراه آن

قرص سیانوری را که همیشه به همراه داشت بدهان افکند ولی ما موران دشمن که متوجه اقدام او شده بودند نارنجک را از دستش خارج کردند، با اینهمه نارنجک درون اتومبیل منفجر شد و منجر به کشته شدن یکی از مزدوران سازمان امنیت و مجروح شدن سایر ما موران دشمن گردید، ولیکن رفیق "مجید" از این جریان جان سالم بدر برد و فقط از ناحیهٔ شکم جراحات سخت برداشت. از آن پس دشمن رفیق "مجید" را در حالی که شدیداً مجروح بود به زیر شکنجه کشید ولی او کسی نبود که بزبان جنبش اطلاعاتی بدشمن بدهد. او - قهرمانانه مقاومت کرد و اسرار رفقایش را هرگز افشاء نکرد. بالاخره پس از چند ماه شکنجه و اسارت رفیق قهرمان "مجید احمدزاده" به همراه یکدسته از بهترین رفقای سازمان ما در دادگاههای نظامی رژیم شاه محاکمه و محکوم به اعدام شد. رفیق "مجید احمدزاده" در دادگاه همراه سایر رفقای سازمان ما بجای دفاع

از خود به تعرض بدشمن پرداخت و هرچه بیشتر رژیم شاه را افشاء و رسوا کرد. برخورد رفقای سازمان ما در این دادگاه کاملاً متعاضد و تهاجمی بود. رفقای مادر هنگام ورود به دادگاه، سرود چریکهای فدائی خلق را با صدای بلند می خواندند و در هنگام محاکمات، جلسات دادگاه را به جلسات محاکمه رژیم شاه تبدیل کرده بودند. رفیق مجید نیز به همراهی سایر رفقای سازمان ما، در این دادگاه، قاطعیت و استحکام خدشه ناپذیر انقلابی خود را در راه تحقق آرمانهای ظفر نمون مبارزه مسلحانه در پیشگاه خلق کبیر ایران به اثبات رسانید.

رفیق مجید در این دادگاه به چندین بار اعدام محکوم گردید و پس از آن در ۱۱ اسفند ماه سال ۱۳۵۰ به همراه یکدسته از بهترین رفقای سازمان ما اعدام گردید و نام خود را تا ابد در تاریخ مبارزات خلق

ایران جاودانه ساخته است.

"جاودانه باد خاطره رفیق دانشجوی
دلیر و آگاه" مجید احمدزاده

"سازمان چریکهای فدائی خلق"

اردیبهشت ۱۳۵۴

در ساعت ۶/۵ دقیقه بامداد روز دوشنبه
 ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۳ سروان یداله نوروزی فرمانده
 منفور گارد دانشگاه صنعتی توسط یک واحد از
 رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق اعدام گردید.
 رفقای واحد عملیاتی، هنگامیکه مزدور خائن
 با اتومبیل در حال خروج از خانه اش واقع در منطقه
 نارمک تهران بود، او را به رگبار مسلسل بسته و سپس
 از شلیک تیر خلاص اتومبیلش را به آتش کشیدند. سپس
 رفقا اعلامیه‌های توضیحی را که برای پخش در صحنه
 عملیات تهیه شده بود، پخش کردند و با شعارهای
 "مرگ بر شاه خائن" منطقه را ترک کردند و بسلامت
 به پایگاه مراجعت نمودند.

این عملیات که مقارن با سالروز تیر بارانهای
 رفقای ما در سال ۱۳۵۰ به‌مورد اجرا در آمد،

"عملیات رفیق مجید احمد زاده" نام گذاری شد.
 رفیق مجید احمد زاده که در اسفند ۱۳۵۰ توسط
 دولت مزدور شاه تیرباران شد، اولین دانشجوی
 شهید دانشگاه صنعتی بود.

ما از مدتها قبل تصمیم داشتیم که در جواب
 وحشیگریهای گارد دانشگاه نسبت به دانشجویان
 مبارز متقابلا ضربه جانانه‌ای به این مزدوران وارد
 آوریم و به این وسیله حمایت مسلحانه و بیدریغ خود را
 از مبارزات دانشجویان میهنمان اعلام داریم. بدین
 جهت حکم اعدام این مزدور خود فروخته را که یکی
 از خوش خدمت‌ترین و منفورترین مهره‌های گارد
 دانشگاه بود، در راه انقلابی خلق صادر نمودیم
 و در سحرگاه روز ۱۲ اسفند اجرا کردیم.

"سازمان چریکهای فدائی خلق"